Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 10, No. 1, 2021
Research Paper

# The Structural and Semantic Role of "RAAYA" in the Holy Qur'an in the Change of Wrong Perceptions

**Mohsen Nilforoushzadeh [1], Mahdi Motia [2], Mohammadreza Hajismaili[3]**
Ph.D. student in Theology - Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran
Associate professor of Department of Quranic Sciences and Hadith (Traditions), Faculty of Theology and Ahl-al-Bayt (Prophet's Descendants) Studies, University of Isfahan, Isfahan. Iran
professor of Department of Quranic Sciences and Hadith (Traditions), Faculty of Theology and Ahl-al-Bayt (Prophet's Descendants) Studies, University of Isfahan, Isfahan. Iran.

## Abstract

One of the most important missions of the scriptures is to change and correct the thoughts and ideas of human beings. The Holy Qur'an, as the most comprehensive and complete revelatory text, in many of its divine teachings has criticized many wrong human thoughts and illusions. It has tried with various words, phrases, and theological and literary structures to change such false assumptions and break imaginary fantasies which over time and the years (for various reasons) contrary to the realities of the universe have been formed in the minds and have been the cause of cruelty and misery of human beings. Suchstructures and terms, while diverse, each has a specific mission and task to refine ideas. In this article, using the method of meaning recognition and structural and content analysis, the family of the conceptual word "RAAYA" has been reviewed and some results have been obtained, the most important of which is identifying the types of "Alam Tarr, Alam Yar, Aratiyat, Aratim, Awwala Yarun, Alam Tarwa, Hal Tari, and Lev Tari". In 98% of these verses, an attempt to change in thought is done by using indirect teaching in which 71% has been through using expressions by the Prophet of Islam (PBUH). The tone and type of dialect in this group of verses and the verses similar to them in 87% of cases is a critical and severely reprimanded dialect. Itt seems that the misguided and disobedient addressees of such verses, who are generally polytheists and infidels, insisted on their misconceptions and ignorantly followed the habits of their ancestors. Thus, the Holy Qur'an, with a threatening tone, seeks to be more influential and to create awareness in their minds. In general, the essence of the issues raised in such verses is very clear to people, does not require special and complex knowledge, and is understandable; however, although the truth is obvious, they have been misled and deluded.

**Keywords:** Holy Quran, change in thought, RAAYA, Structural Analysis.

This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ( Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License).

http://dx.doi.org/10.22108/nrgs.2021.124005.1556

دوفصلنامه علمی پژوهش‌های زبانشناختی قرآن
سال دهم، شماره اول، شماره پیاپی (۱۹) بهار و تابستان ۱۴۰۰
تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۰۸
صص: ۴۲– ۱۹

مقاله پژوهشی

# نقش ساختاری و معنایی «رأی» در پندارشکنی‌های قرآن کریم

**محسن نیل فروش زاده[۱]، مهدی مطیع *[۲]، محمدرضا حاجی اسماعیلی[۳]**

۱- دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی - علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
nilforoush.md@yahoo.com
۱- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
m.motia@ltr.ui.ac.ir
۱- استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
m.hajis1@yahoo.com

## چکیده

پندارشکنی و تصحیح افکار و اندیشهٔ انسان‌ها یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های کتب آسمانی است. قرآن کریم به‌عنوان جامع و کامل‌ترین متن وحیانی، در تعداد کثیری از آموزش‌های الهی خود، نسبت به بسیاری از اندیشه‌ها و توهم‌های غلط بشری انتقاد داشته و با واژه‌ها و عبارات و ساختارهای گوناگون کلامی و ادبی سعی در تغییر چنین گمان‌های باطل و گسست خیال‌های موهومی داشته که به‌مرور زمان و در طول سال‌ها (به دلایل مختلف) برخلاف حقایق جهان هستی، در ذهن‌ها شکل گرفته و عامل شقاوت و نگون‌بختی انسان‌ها شده است. این ساختارها و واژه‌ها در عین تنوع، هرکدام مأموریت و وظیفه‌ای خاص برای اصلاح اندیشه‌ها به عهده دارند. در این مقاله، با استفاده از روش شناخت معنا و تحلیل ساختاری، خانوادهٔ واژهٔ پندارشکن «رأی» بررسی شد و نتایجی به دست آمدند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: شناسایی گونه‌های «أ لَم‌تَر و أ لَم‌یَر و أرَأَیتَ و أرَأَیتم و أوَلایرَوْن و أ لَم‌تَروا و هَل‌تَری و لَوتَری» بوده که در ۹۸٪ این آیات، پندارشکنی با استفاده از آموزش غیرمستقیم انجام شده که در ۷۱٪ آنها از آموزش با واسطهٔ بیانی پیامبر اسلام(ص) استفاده شده است. لحن و نوع گویش در این گروه از آیات و آیات هم‌سیاق آنها در ۸۷٪ موارد، گویش انتقادی و توبیخی شدید است و به نظر می‌رسد مخاطب گمراه و معاند این آیات که عموماً مشرکان و کافران‌اند، در پندارهای سقیم خود و پیروی جاهلانه از عادات گذشتگان خود پافشاری کرده‌اند؛ ازاین‌رو، قرآن کریم با لحن تهدید درصدد تأثیرگذاری بیشتر و ایجاد تنبه در اذهان آنها است و درمجموع در این آیات، اصل موضوعات مطرح‌شده برای افراد، بسیار روشن و واضح بوده و به دانستن و آگاهی خاص و پیچیده‌ای نیاز نبوده و درک‌پذیر است؛ اما باوجود بدیهی‌بودن حقیقت، گمراه و متوهم شده‌اند.

**واژه‌های کلیدی**

قرآن کریم، پندارشکنی، رأی، تحلیل ساختاری.

---

*نویسنده مسئول

**طرح مسئله**

پندار و پنداشت، حاصل فعالیت ذهن انسان در برخورد با مسائل و رویدادهای آن بوده است و از عوامل مختلفی ازجمله محیط، آداب‌ورسوم، اخبار گذشتگان و غیره تأثیر می‌گیرد. این برداشت فکری می‌تواند در مسیر سعادت انسان، صحیح و اثربخش باشد یا اشتباه و مخرب و عامل ویرانگری فضایل بشری شود. در پهنهٔ تربیت اسلامی، یکی از مباحث بااهمیت، پندارشکنی و مبارزه با توهمات غلط بشری است. این مفهوم به دنبال تصحیح باورهایی است که انسان‌ها به آن اعتقاد قوی داشته‌اند و بر پایهٔ آنها زندگی خود را برنامه‌ریزی می‌کنند. به‌طورکلی در حوزهٔ شناختی، اینگونه پندارها و باورهای بنیادین ناصحیح از دیدگاه فرد دربارهٔ خود، جهان اطراف و تعامل با دیگران تشکیل شده‌اند.

در قرآن کریم برای انتقال مفهوم پندارشکنی و تصحیح باورها از واژگان و گزاره‌های متعددی مانند «عَلِمَ» و «رَأی» و «حَسِبَ» و «زَعِمَ» و «ظَنَّ» و ساختارهای ادبی متعدد و متنوع مانند «أینَ...» و «کلا...» و «أفَمَن ... کَمَن» استفاده شده است. با بررسی این عبارت‌ها و واژگان و استمداد از مفاهیم شناخت معنا و تحلیل ساختاری و بررسی سیاق آیات و دیگر ابزارهای تحلیل متن، می‌توان محتوای این دسته از مفاهیم قرآنی را طبقه‌بندی و گونه‌های مختلفی را شناسایی کرد که مدلول آنها به دنبال تغییر و تصحیح افکار نادرست بشری بوده و به دنبال اصلاح رفتار و حسن سلوک است.

این مقاله به بررسی واژه «رأی» در آیات قرآن کریم از منظر تغییر اندیشه و پندارشکنی پرداخته، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است: انواع گزاره‌ها و ساختارهای پندارشکن حاوی واژه «رأی» در قرآن کریم، دارای چه خصوصیاتی از لحاظ نوع روش آموزش (مستقیم و غیرمستقیم) و لحن و نوع گویش و نیز محتوای آیات آن است؟ ازاین‌رو ساختارهای گوناگون این واژه، کاوش و با استفاده از ابزارهای مختلف شناخت مفاهیم و مضامین متن دسته‌بندی‌شده، ارتباط، همانندی و تمایز بین آنها بررسی می‌شود.

## ۱ پیشینهٔ پژوهش

بررسی و تتبعات انجام‌شده نشان می‌دهد دربارهٔ این واژه تحقیق‌هایی صورت گرفته است؛ مانند مقاله «قالب‌های معنایی فعل "رأی" در آیات قرآن کریم و برگردان فارسی "بر پایهٔ نظریهٔ معناشناسی قالبی چارلز فیلمور"» از فرزانه حاجی قاسمی و نصرالله شاملی، دوفصلنامهٔ مطالعات ترجمهٔ قرآن و حدیث، دوره ۳، شماره ٦، ۱۳۹۵ش. در آن برای فعل «رأی» متناسب با ترکیب‌های هم‌نشینی، قالب‌های معنایی مختلفی را حول معنای مرکزی (دیدن) برای ارائهٔ ترجمهٔ بهتر و گویاتر آیات قرآن کریم معرفی می‌کند و در مقاله «شبکهٔ شعاعی معنای دیدن در خطبه‌های نهج‌البلاغه بر پایهٔ معناشناسی شناختی قالبی "بررسی موردی فعل رأی با تکیه بر ترجمه‌های دشتی، جعفری و شهیدی"»، نصرالله شاملی و فرزانه حاجی قاسمی، پژوهش‌نامهٔ نهج‌البلاغه، سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹٦ش، واژه «رأی» نیز از دیدگاه تحلیل واژگان و شبکهٔ معنایی، بررسی و معانی مختلف این واژه در نهج‌البلاغه مانند فهمیدن، پنداشتن و معتقد بودن، معرفی و ترجمه‌های دشتی و جعفری و شهیدی از لحاظ استفادهٔ صحیح از معانی مختلف این واژه در جایگاههای مختلف نقد شده است؛ ولی در این

تحقیق، هدف از بررسی آیات حاوی واژه‌های هم‌میدان «رأی»، کشف گونه‌های مختلف پندارشکن قرآنی در این دسته از آیات و بررسی و تحقیق و مقایسه بین آنها است که در این زمینه با جستجوی به‌عمل‌آمده و تتبع در آثار گذشتگان، مقاله‌ای مشاهده نشد.

## ۲ واژه‌شناسی «رَأیَ»

آگاهی‌یافتن نسبت به ابعاد لغوی و اصطلاحی یک مفهوم در یک متن، ازجمله مراحل تبیین موضوع است که عمدتاً ذیل عنوان واژه‌شناسی بررسی می‌شود. در حوزهٔ معنا، بین مفاهیم و واژه‌های آیات قرآن کریم ارتباط معنایی خاصی برقرار است و غرض خداوند دانا از انزال این محتوای با ارزش که پیوستگی میان مفاد آیات آن به جملات منحصر نمی‌شود، بلکه میان واژگان آن نیز پیوندهای معنایی ویژه‌ای برقرار است، القای پیام ویژه‌ای برای تربیت و هدایت انسان‌هاست.

فعل «رَأیَ» (از ریشهٔ دیدن)، یکی از کلمات پرکاربرد در کلام وحی بوده و با ترکیب‌های گوناگون، ۳۲۸ مرتبه (عبدالباقی، ١٣٦٤ق، صص ۲۸۰-۲۸۵) در آیات قرآن به کار رفته است. این واژه و مشتقات آن دارای گسترهٔ معنایی‌اند و علاوه بر دیدنِ بیرونی، بر دیدن درونی، مانند دانستن و فهمیدن نیز دلالت می‌کنند.

واژه «رأی» به معنی دیدن با چشم و نوع خاصی از دیدن همراه با اطمینان قلبی است (فراهیدی، ١٤٠٩ق، ج۸، ص ٣٠٦) و راغب اصفهانی آن را به معنای دیدن و ادراک چیزی دیدنی و قابل دیدن معرفی می‌کند و انواع دیدن را با توجه به ویژگی‌های نفسانی و درونی انسان به چهار دستهٔ ۱- دیدن و ادراک با حواس ظاهر؛ ۲- دیدن با وهم و تخیل؛ ۳- دیدن با تفکر و اندیشه و ٤- دیدن و ادراک با عقل و خرد تقسیم می‌کند (راغب اصفهانی، ١٤١٢ق، ص ٣٧٣).

«رأی» از افعال قلوب یقینی است؛ افعالی که قلبی و باطنی‌اند و بر علم قطعی، یقینی و جزمی دلالت می‌کنند و معنای یقین می‌دهند. با اعضا و جوارح سروکار ندارند؛ بلکه از باطن، فکر، اندیشه و قلب انسان صادر می‌شوند (شرتونی، ۱۳۸۷ش، ص ٢٤١).

با توجه به ماهیت اصلی این واژه، در تعداد کثیری از ترکیب‌ها و ساختارهای به‌کاررفتهٔ آن در قرآن، مانند دیدن در معنی توجه به ظاهر در آیه «وَ تَرَی الْجِبالَ تَحْسَبُها جامِدَةً وَ هِی تَمُرُّ مَرَّ السَّحابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذی أَتْقَنَ کلَّ شَیءٍ إِنَّهُ خَبیرٌ بِما تَفْعَلُونَ» (النمل/۸۸) یا آگاهی‌دادن از بازخورد اعمال، کیفر و چگونگی آن در آیات (النحل/۸۵) و (ابراهیم/٤٩) و نیز در آیه (النساء/٦١) با انتقاد از رفتار منافقان، وظیفهٔ پندارشکنی و جلب توجه مخاطب از موضوعی موهوم به امری مهم و سرنوشت‌ساز را داراست و سعی در تصحیح اندیشه‌ها دارد؛ در ادامه به چند ساختار مهم آن اشاره می‌شود.

## ۳ بررسی ساختارهای پندارشکن با محوریت واژه «رأی»

یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های ساختارهای حاوی واژه «رأی»، پندارشکنی موهومات ذهنی مخاطبان قرآن کریم است؛ ازاین‌رو، آیات حاوی آنها با بیان واقعیت‌ها، باورها و عقاید صحیح در ابعاد گوناگون و انتقاد از پندارها و اعمال نامناسب و سقیم، بشریت را متذکر می‌کند، تا به این وسیله انسان‌ها راه صحیح زندگی را پیدا کنند و از حیرت و سرگردانی نجات

یابند. در ادامه، این اسلوب‌های پندارشکن با محوریت واژه «رأی» معرفی و تحلیل می‌شوند.

### ۳-۱ ساختار «أ لَم تَر»:

اولین و پرکاربردترین کلمهٔ تغییر افکار و پندار بشری از خانواده واژه «رأی» لفظ «أَلَم تَر» است. این شکل ادبی سی‌ویک مرتبه در آیات مختلف قرآن کریم (عبدالباقی، ۱۳٦٤ق، ص ۲۸۲) برای تأکید و گوشزدکردن و تصحیح بعضی از عقاید انسانی تکرار شده است. «تَری» هنگامی که متعدی با حرف اضافه «الی» شود، به معنای نگاهی است که به دنبال آن فهم و علم و آگاهی باشد (ابن‌منظور، ۱٤۱٤ ق، ج۱٤، ص ۲۹۱).

**الف) شکست پندار شرک و کفر:** خداوند متعال در آیات بسیاری از قرآن کریم انسان‌ها را به توحید و یگانه‌پرستی، دعوت و از کفر و شرک ورزیدن نهی می‌کند. در آیه «أ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذی حَاجَّ إِبْراهیمَ فی رَبِّهِ أَنْ آتاهُ اللَّهُ الْمُلْک إِذْ قالَ إِبْراهیمُ رَبِّی الَّذی یحْیی وَ یمیتُ قالَ أَنَا أُحْیی وَ أُمیتُ قالَ إِبْراهیمُ فَإِنَّ اللَّهَ یأْتی بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِها مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذی کَفَرَ وَ اللَّهُ لا یهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمینَ» (البقره/۲۵۸). ملاحظه می‌شود کلام وحی با طرح داستان گفتگوی حضرت ابراهیم(ع) با جبار زمان خود نمرود، خواستار تصحیح پندار سقیم شرک و کفر به خدا و دعوت به توحید است. در این آیه، در ظاهر روی سخن با پیامبر اسلام(ص) بوده است؛ ولی به همهٔ مخاطبان بشری می‌فرماید: اعتقاد به توحید و یگانگی و وحدانیت خداوند، مسئله‌ای پیچیده و دشواری نیست و به‌روشنی درک و فهم‌پذیر است و لزوم تغییر در اندیشه‌های منحرف و اصلاح آن را متذکر می‌شود (طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج۲، ص ۳٤۸).

در گروه دیگری از این آیات، علاوه بر استفهام تعجبی نسبت به پیامبر اکرم(ص) از تشبیه نیز بهره گرفته شده و از استشهاد به قدرت خداوند در راستای پندارشکنی استفاده شده است. «ألم تَر» در آیه «أ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ یشَأْ یذْهِبْکمْ وَ یأْتِ بِخَلْقٍ جَدیدٍ» (ابراهیم/۱۹) به معنای «ألم تعلم» آیا ندانستی؟ است. رؤیت در اینجا به معنی علم بوده و در ظاهر خطاب به رسول اسلام (ص) می‌باشد (طوسی، بی‌تا، ج٦، ص ۲۸٦)؛ ولی متوجه هر کسی است که آن را بخواند و بشنود؛ یعنی آیا نمی‌دانید که خداوند آسمان‌ها و زمین را از روی حکمت و غرض آفریده است و اگر اراده کند، شما را هلاک و نابود می‌کند و مردم دیگری به وجود می‌آورد و این کار برای خداوند دشوار نیست. در آیات (ابراهیم/۲٤) و (الحج/۱۸، ٦۳، ٦٥) و (النور/٤۱، ٤۳) و (الفرقان/٤٥) و (لقمان/۲۹، ۳۱) و (فاطر/۲۷) و (الزمر/۲۱) و (المجادله/۷) نیز سخن از یک انسجام کامل و نفوذ مشیت و ارادهٔ الهی و به نتیجه رسیدن آن است. در این آیات، از شهادت و تصدیق پیامبر اسلام(ص) به‌عنوان بزرگ شاهد جهان خلقت، در راستای ادعای آیه استفاده می‌شود و به پندارشکنی می‌پردازد.

**ب) گسست پندار اجتناب از حق:** ازنظر قرآن کریم، مقابله با حق و کتمان حقایق، امری ناپسند و مذموم است؛ ازاین‌رو در تعدادی از آیات کلام وحی به این مسئله توجه خاص و ویژه‌ای شده است. در آیه «أ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذینَ أُوتُوا نَصیباً مِنَ الْکتابِ یدْعَوْنَ إِلی کتابِ اللَّهِ لِیحْکمَ بَینَهُمْ ثُمَّ یتَوَلَّی فَریقٌ مِنْهُمْ وَ هُمْ مُعْرِضُونَ» (آل عمران/۲۳) استفهام انکاری - تعجبی

بر فعل منفی وارد شده و نفی النفی به معنای اثبات است؛ بنابراین، نفی عدم دیدن به معنای اثبات است؛ یعنی حال این یهودیان را دیده‌ای و برایت یقین شده است (ابوزهره، بی‌تا، ج۳، ص ۱۱٦۱). بزرگان و علمای یهود به‌واسطهٔ معارف تورات از حقیقت نبوت حضرت محمد(ص) باخبر بودند؛ اما از آگاهی خود بهره نبرده بودند و به تکلیف خود عمل نمی‌کردند؛ بلکه تابع هوا و هوس و امیال نفسانی خود می‌شدند و نفع خویش را برمی گزیدند (کلباسی اصفهانی، ۱۳۹۱ش، ص۸۳). در اینجا کلام وحی از ارجاع یهودیان به کتاب مقدسشان تورات (تا با استفاده از مطالب آن میان توهمات غلط آنها و حقانیت فرمایشات پیامبر اسلام(ص) داوری شود) بهره می‌گیرد و از روشنی و آشکاری این داوری برای تغییر در افکار و توهمات ذهنی قوم یهود استفاده می‌کند؛ ولی اعراض‌کنندگان باوجود آگاهی‌شان از پذیرش حق سرباز می‌زنند.

درواقع عبارت «أ لَم تَر» پندارشکنی غیرمستقیمی است که به مسلمانان می‌فهماند مفهومی که به اشتباه در اذهانشان رسوخ کرده، در تقابل آشکار با عقیده‌ای صحیح است که بسیار واضح بوده و برای همه درک‌شدنی است؛ اگر متوجه و اهل پذیرش حقایق باشند.

در اینگونه از آیات پندارشکن و آیات مشابه (ابراهیم/۲۸) و (الشعراء/۲۲۵) (غافر/٦۹) و (المجادله/۸، ١٤) و (الحشر/۱۱) و (الفجر/٦) و (الفیل/۱) کلام وحی با استفاده از استفهام تعجبی غیرمستقیم به‌منظور جلب‌نظر مخاطب، موجب تغییر در عقاید و پندارشکنی اندیشه‌های نادرست ایشان می‌شود، با بیان افکار انحرافی در آیات قبل یا بعد به‌وضوح دست به تصحیح باورها می‌زند و توهمات را درهم می‌شکند.

با تأمل در این روش پندارشکنی، چند نکته به دست می‌آید:

۱. این روش حاوی استفهام تعجبی خطاب در ظاهر به پیامبر اسلام(ص) است و تأکید دارد این موضوع کاملاً برایشان روشن و بدیهی است؛ ولی درحقیقت روی سخن با عموم مردم است. «أ لَم تَر» یک آموزش غیرمستقیم، در معانی ظاهری منفی آیا نمی‌دانی؟ چرا دقت نمی‌کنی؟ و در مفهوم باطنی قطعاً می‌دانید و خبر دارید، است. مانند آنکه مطلبی را به شخصی که آگاهی کامل دارد، با تأکیدی خاص گوشزد شود؛ برای اینکه شخص ثالثی که متوجه موضوع نیست، آگاه شود و در آن دقت کند. مقصود آیات قرآن در اینگونه خطاب‌ها عموم انسان‌ها هستند؛ زیرا پیامبر اکرم(ص) معصوم بوده و روی حقیقی سخن با کسانی است که احتمال ارتکاب این افکار و اعمال از آنها وجود دارد (شریفی اصفهانی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۰٤)؛ ازاین‌رو، از حضرت صادق(ع) نقل شده است «نَزَلَ الْقُرْآنُ بِإِیاک أَعْنِی وَ اسْمَعِی یا جَارَةُ» (کلینی، ١٤۰۷ق، ج۲، ص ٦۳۱).

۲. لحن پندارشکنی این آیات و سیاق متفقشان در یازده آیه مانند «أَلَمْ تَرَ کیفَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلًا کلِمَةً طَیبَةً کشَجَرَةٍ طَیبَةٍ أُصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِی السَّمَاءِ» (ابراهیم/٢٤) و «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللّهَ لَطِیفٌ خَبِیرٌ» (الحج/٦۳) و (النور/٤۱) و (الفرقان/٤٥) و (البقره/۲٤۳، ۲٤٥، ۲٥۸) و (لقمان/۲۹، ۳۱) و (فاطر/۲۷) آرام و ملایم، همراه با لحنی مقتدرانه است؛ ولی در بیست آیه، آهنگ و مفهوم کلام، شدید و بعضی همراه با تحدید

است؛ مانند «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كفْراً وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ*جَهَنَّمَ يصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ» (ابراهیم/٢٨، ٢٩) و (المجادله/١٤، ١٥) و (النساء/٤٤ تا ٧٧) و (آل عمران/٢٢، ٢٣) و (الشعراء/٢١) و (الزمر/٢١) و (الحج/١٨) و (غافر/٦٩ تا ٧٢) و (الفجر/٦).

٣. در تعدادی از این آیات، از قدرت خداوند در خلقت جهان، در دسته‌ای دیگر، وقایع و داستان‌های تاریخی و در مواردی رخدادهای جاری (زمان نزول وحی) برای جلب توجه مخاطب، در راستای تغییر پندار نادرست استفاده شده است.

٤. در این قالب، سخن قرآنی موضوع بسیار روشن و واضح است، نیاز به دانستن و آگاهی خاص و پیچیده‌ای نیست و برای عموم مردم درک‌شدنی است؛ به شرط آنکه پذیرای حقیقت و هوشیار باشند و خود را به غفلت نزنند.

٥. به نظر می‌رسد استفاده از فعل قلبی «تری» برای تأکید بر لزوم تغییر در اندیشه‌های ناصحیح راسخ در نهاد و نهان انسان بوده و عامل تحکیم و تثبیت پندار درست، در قلب و جان آدمی است.

### ٣-٢ *ساختارهای «أَرَأَيتم» و «أَ فَرَأَيْتُمْ» و «أَرَأَيتَكمْ»*

ساختار ادبی «أَرَأَيتم» در مجموع چهارده مرتبه و «أَ فَرَأَيْتُمْ» نیز در هفت آیه و دو مورد نیز به شکل «أَرَأَيتَكمْ» در قرآن به کار رفته است (عبدالباقی، ١٣٦٤ق، ص ٢٨١). این عبارت‌ها شامل همزهٔ استفهام، فعل ماضی از ریشه «رأی» و ضمیر متصل مخاطب بوده و ازجمله مفاهیمی که از این ساختارهای هم‌میدان معنایی استنباط می‌شود، گسست پندارهای ناصحیح است.

**شکست پندار فاعل‌بودن بت‌ها:** یکی از انگیزه‌های بت‌پرستی مشرکان، استمداد از بت‌ها بوده است. آنها می‌پنداشتند این اصنام دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌توانند به انسان‌ها یاری رسانند؛ ازاین‌رو، در تعدادی از آیات کلام وحی این پندار سقیم به‌شدت تکذیب شده است. در آیه «قُلْ أَرَأَيتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكمْ وَأَبْصَارَكمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكمْ مَنْ إِلَهٌ غَيرُ اللَّهِ يأْتِيكمْ بِهِ انْظُرْ كيفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يصْدِفُونَ» (الانعام/٤٦) واژه «قُل» نشان از ابلاغ فرمان الهی با واسطهٔ پیامبر اسلام(ص) دارد تا مخاطبان متوجه شوند خداوند به‌صورت غیرمستقیم به کافران فرمان می‌دهد (طالقانی، ١٣٦٢ش، ج٤، ص ٢٨٢) که پیامبر به آنها بگو: اگر خداوند نعمت‌های گرانبهایش مانند گوش و چشم را از شما بگیرد و بر دل‌هایتان مهر زند، به طوری که نتوانید میان خوب و بد، حق و باطل تمیز دهید، چه کسی جز خدا می‌تواند این نعمت‌ها را به شما بازگرداند!

این نوع بیان را از انواع پندارشکنی می‌توان غیرمستقیم دانست؛ مانند وقتی که برای حفظ احترام و حرمت بین گوینده و شنونده، قصد مراعات فرد خاطی را دارد و برای نشان‌دادن عمق ناراحتی خود از رویدادی با روش تذکردادن، با واسطهٔ فرد ثالثی استفاده می‌شود که به فلانی بگو: اگر فلان رویه را ادامه دهد، بازخواست سختی می‌شود؛ بنابراین، به نظر می‌رسد در این نوع گفت‌وشنود، در ضمن بیان چالشی و انتقال سنگین لحن اعتراض و انتقاد که با نوعی بی‌اعتنایی همراه بوده، سعی در حفظ حریم محور گفتگو با مخاطب است.

همچنین در آیات قبل و بعد از آن (الانعام/٤٠) و (الانعام/٤٧) «کم» در «أَرَأَيتَكمْ» صرفاً برای خطاب

است و معنای اسم ندارد و به معنای «هَل رأیتم» بوده و در مفهوم «اخبرونی» استفاده شده است (ابن‌عطیه، ۱٤۲۲ق، ج۲، ص ۲۹۰). در این عبارت‌ها همزه، استفهام تعجبی همراه با نوعی تأسف و افسوس و «فاء» حرف عطف است (درویش، ۱٤۱۵ق، ج۷، ص ۸٦).

ازاین‌رو، کلام وحی با استفاده از تکنیک سؤال مثبت دارای جواب واضح، سعی در تغییر قالب فکری مخاطب دارد و می‌فرماید: ای پیامبر(ص)، به اینها بگو: آیا دانسته‌اید؟ آیا اندیشیده‌اید که اگر در دنیا عذاب خدا به‌سوی شما آید، یا قیامت فرارسد، چه کسی را خواهید خواند؟ و آن‌گاه با جمله «أَغیر اللَّه تدعون» خداوند آنها را محکوم کرده و فرموده است: آیا در آن هنگام خدایان خودتان را به یاری می‌خوانید؟ چنانکه در دنیا وقتی زیانی می‌بینید، به آنها متوسل می‌شوید یا تنها خدای یکتا را می‌خوانید؟ در ادامه، خداوند کافران را اندرز می‌دهد و آنان را از عذابی می‌ترساند که قادر به دفع آن نیستند؛ خواه این عذاب، ناگهانی و از جایی که آنان گمان ندارند بیاید، خواه آشکارا و از جایی که انتظار و آمادگی‌اش را دارند. خداوند آنها را اندرز می‌دهد و تهدید می‌کند تا شاید پیش از آمدن عذاب، از آن بترسند و به هدایت راه یابند (ابن‌کثیر، ۱٤۱۹ق، ج۳، ص ۲۳۰).

ویژگی‌های این روش پندارشکن عبارت‌اند از:

۱. یازده آیه از آیات حاوی «أَرَأَیتم» و دو آیه «أَرَأَیتَکمْ» با واژه «قُل» همراه شده است. همان‌گونه که اشاره شد خداوند با واسطه قرار دادن شخص رسول اکرم(ص) به‌صورت گفتگوی غیرمستقیم با منکران ارتباط برقرار کرده است؛ مانند: ای محمد(ص)، به این کافران و منکران بگو: آیا دانسته‌اید؟ آیا اندیشه و تفکر کرده‌اید؟ (یونس/۵۰، ۵۹) و (القصص/۷۱، ۷۲) و (فاطر/٤۰) و (الزمر/۳۸) و (فصلت/۵۲) و (الاحقاف/٤، ۱۰) و (الملک/۲۸، ۳۰) و با بررسی «أَفَرَأَیتُمْ» در سیاق آیات (الواقعه/٤۹ تا ۷۳) نیز خطاب با واسطهٔ پیامبر اسلام(ص) است (طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج۱۹، ص ۱۳۱).

چهار آیه با واژه «قال» آغاز می‌شود که در آنها نیز کلام وحی با استفاده از تکنیک انتقال پیام توسط شخص ثالث به‌صورت غیرمستقیم به اصلاح افکار و اندیشه‌های فاسد و منحرف می‌پردازد؛ مانند آیه (هود/۲۸) که از گفتگوی حضرت نوح(ع) با قومشان استفاده کرده، با نقل آن در پی رفع شک و شبه نسبت به مفهوم نبوت و تأیید و اثبات پندار رسالت است و آیه (هود/٦۳) گفتگوی حضرت صالح(ع) و آیه (هود/۸۸) مباحثهٔ حضرت شعیب(ع) و آیه (الشعراء/۷۵) مذاکرهٔ حضرت ابراهیم(ع) با مردمان هم‌عصرشان، همگی پندارشکن با واسطه و غیرمستقیم به نظر می‌رسد و تنها در آیه «أَفَرَأَیتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّی» بعد از آنکه در آیات ابتدایی سوره نجم، راست‌گویی رسول خدا(ص) و حقانیت کلام آسمانی ایشان ثابت و مسجل می‌شود، با خطاب مستقیم، به پندارشکنی عقاید باطل مشرکان قریش می‌پردازد.

۲. آهنگ و لحن پندارشکنی این گروه از آیات و سیاقشان حاوی پرسش انتقادی و توبیخ شدید و کنایه‌ای است که به‌واسطهٔ پیامبر اسلام(ص) یا دیگر رسولان الهی، سؤال و با یادآوری حقیقتی بسیار مهم همراه می‌شود که معمولاً با نهیبی آمیخته، ایجاد بیم و هراس می‌کند و فرد را وادار به تفکر دربارهٔ پرسش مطروحه می‌کند تا اینگونه در افکار و عقاید باطل مردمان تغییر ایجاد کند.

مانند «قُلْ أَرَأَيتُمْ إِنْ أَخَذَ اللّهُ سَمْعَكمْ وَأَبْصَارَكمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبكمْ مَنْ إِلَهٌ غَيرُ اللّهِ يأْتِيكمْ بِهِ» (الانعام/٤٦) و «قُلْ أَرَأَيتُمْ إِنْ جَعَلَ اللّهُ عَلَيكمُ اللّيلَ سَرْمَدًا إِلَى يوْمِ الْقِيامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيرُ اللّهِ يأْتِيكمْ بِضِياءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ» (القصص/٧١) و (فصلت/٥٢) و (الانعام/٤٠، ٤٧) و (یونس/٥٠، ٥٩) و (الملک/٢٨) و (القصص/٧٢) و (فاطر/٤٠) و (الزمر/٣٨) و (الاحقاف/٤، ١٠) و (الملک/٣٠) و (الواقعه/٥٨ تا ٧٣) و (هود/٢٨، ٦٣، ٨٨) و (الشعراء/٧٥).

۳. محتوای این دسته از آیات، تکذیب باورها و پندارهای انحرافی کافران و مشرکان دربارهٔ خداوند و رسولان الهی است. بررسی این مفاهیم وحیانی نشان می‌دهد اختلاف میان پیامبران و مشرکان بیشتر دربارهٔ شرک به خدا و حقیقت وجود قیامت بوده است که بسیاری از آیات به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم با این دو اصل ارتباط دارند. مشرکان برای توجیه عمل مشرکانهٔ خود به عادت‌های پدران و نیاکانشان استدلال می‌کردند و برای منکرشدن قیامت هم به زنده‌نشدن مردگان استدلال می‌کردند؛ بنابراین، خداوند دلیل رد سخن آنان را به پیامبرش گوشزد می‌کند و مخاطبان پیامبران را به عذاب دنیوی و اخروی هشدار می‌دهد. محتوای این گروه از آیات شامل موارد زیر است:

الف) در آیات (الانعام/٤٦) و (یونس٥٩) و (القصص/٧١، ٧٢) و (فاطر/٤٠) و (الزمر/٣٨) و (الاحقاف/٤)، (النجم/١٩) و (الواقعه/٥٨، ٦٣، ٦٨، ٧١) و (الملک/٣٠) خدا می‌خواهد به منحرفان تذکر دهد معبودهای مورد پرستش آنها نه می‌توانند ضرری از ایشان دفع کنند و نه می‌توانند منفعتی را برایشان جلب کنند. تنها ارادهٔ اصلی و تأثیرگذار حقیقی در جهان، فقط ارادهٔ خداست. آیا چیزی در زمین هست که ساختار آن نشان‌دهندهٔ تعدد سازنده و وجود همتا برای خدا باشد! و از این اصنام که معتقدید شریک خدا هستند و از آنها به لفظ الهه تعبیر می‌کنید، آیا قادرند چیزی را خلاف اراده و تدبیر خداوند خلق کنند؟ خواهند گفت: نه! آیا تأثیر اسباب و علل مادی و معنوی از خود آنها است یا از خدا است؟ اسباب و عواملی که این اسباب را پدید می‌آورند، هم خودشان و هم اثرشان آفریدهٔ خدا هستند و مبدأ تمامی اثرها و مؤثرها به خدا منتهی می‌شود.

ب) در آیات (هود/٢٨، ٦٣، ٨٨) و (الشعراء/٧٥) سخن از اعتباربخشی به دعوت پیامبر اسلام(ص) به‌عنوان کسی است که انسان‌ها را به‌سوی خدا و سعادت ابدی می‌خواند و بر حقیقت و صدق دعوت پیامبران الهی گذشته و انتخاب ایشان برای رسانیدن پیام خدا به بشریت تأکید دارد و در آیات (فصلت/٥٢) و (الاحقاف/١٠) کلام وحی برای اثبات رسالت پیامبر(ص) و تصحیح افکار و عقاید مخالفان و معارضان الهی دستور می‌دهد. به آنان بگو: آیا می‌پندارید که قرآن افسانه است! اگر قرآن حق و از سوی خدا باشد، در آن صورت، چه وضعیت و سرنوشتی خواهید داشت؛ در حالی که شما بدون دلیل و از روی نادانی با آن مخالفت می‌کنید؛ و اظهار می‌دارد قرآن، کلامی الهی است و همانند دیگر کتب آسمانی، مؤید و تأییدکنندهٔ راستی و درستی دعوت پیامبر اسلام(ص) است.

ج) در آیات (الانعام/٤٠، ٤٧) و (یونس/٥٠) و (الملک/٢٨) خداوند کافران و معاندان را اندرز می‌دهد و آنان را از عذابی می‌ترساند که به دفع آن قادر نیستند و به آنها به‌واسطهٔ پیامبر(ص) نهیب می‌زند به کدامین عذاب شتاب می‌کنید؟ آیا به عذاب دنیا شتاب می‌کنید

یا به عذاب آخرت؟ آیا کسی می‌تواند از مشیت الهی، قیامت و عذاب و عقاب آن فرار کند؟ در آن جایگاه از چه کسی یاری می‌طلبید؟ آیا جز خدا معبودی از بت‌های شما هست که به داد شما برسد؟ و بیان می‌کند کافران در قیامت از آنچه شریک خدا قرار داده بودند، بیزاری می‌جویند و به او پناه می‌برند.

### ۳-۳ ساختارهای «أ لَم یَر» و «أ لَم یَروا» و «أ و لَم یَروا» و «أ فلَم یَروا»

ترکیب قرآنی «أ لَم یَر» که در دو آیه (الانبیاء/۳۰) و (یس/۷۷) استفاده شده است، در بیشتر مواقع به شکل جمع غایب و با ساختارهای «أ لَم یَروا» (پنج مرتبه) و «أ و لَم یَروا» (دوازده دفعه) و «أ فلَم یَروا» (یکبار) دیده می‌شود. تفاوت این کلمات وحیانی که درمجموع بیست مرتبه به کار رفته‌اند (عبدالباقی، ١٣٦٤ق، ص ٢٨٤)، در ترکیب ظاهری وجود «واو» و «فا» است. به دلیل وجود همزهٔ استفهام که صدارت‌طلب بوده، «واو» و «فا» بعد از همزه آمده است. به نظر می‌رسد این حروف، با توجه به سیاق آیات و مفاهیم آنها عطف باشند (ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج۵، ص ۲۷)؛ ازاین‌رو، همگی از دیدگاه معنایی، هم‌ارز و مشابه بوده‌اند و قرآن کریم به‌وسیلهٔ این ساختارهای ادبی زیرمجموعه واژه «رأی»، درصدد پندارشکنی گروهی از باورها و اندیشه‌های ناسالم انسان‌ها است.

**الف)** تأکید بر قدرت خداوند: قدرت، یکی از صفات الهی است. قدرت خداوند بی‌نظیر و منحصربه‌فرد است؛ بنابراین، قرآن کریم با یادآوری جلوه‌هایی از توانایی پروردگار عالم، درصدد گسست پندار خداستیزی کافران است. در آیه «أ وَ لَمْ یرَ الَّذینَ کفَرُوا أنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ کانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ کلَّ شَیءٍ حَی أ فَلا یؤْمِنُون» (الانبیاء/۳۰) «أوَلَمْ یرَ» که در قرائت ابن‌کثیر بدون «واو» به‌صورت «الم یَر» آمده (ابن‌خالویه، ١٤١٣ق، ج۲، ص ٦١)، به معنای «أولم یعلموا» استفهامی برای نکوهش و ملامت و سرزنش کافران است (شنقیطی، ١٤٢٧ق، ج٤، ص ٤٢٤)؛ یعنی آیا اینها نمی‌دانند خداوند کارهایی می‌کند که دیگران توانایی انجام آن را ندارند! در اینجا کلام وحی با استفاده از تکنیک سؤال منفی در فعل منفی که مفهوم آن دارای معنی مثبتی است (آیا نمی‌بینند؟ آیا نمی‌دانند؟ که حتماً می‌بینند و درک می‌کنند و می‌دانند) به دنبال ایجاد تکانه‌ای فکری و اعتقادی در بین منکران خداوند است. دیدن در اینجا اندیشه و فکر کردن با دقت و تأملی ژرف در خلقتی مانند آب است که به‌ظاهر بسیار ساده، آسان و بدیهی به نظر می‌رسد؛ ولی ویژگی‌های منحصربه‌فرد آن از وجود قدرتی نشان دارد که تکذیب‌کنندگان از آن، غافل یا خود را به غفلت زده‌اند؛ ازاین‌رو، قرآن در این آیه و چند آیه بعد، با بیان تعدادی از نعمت‌های خداوند که در اختیار انسان قرار دارد و با استفاده از روش استفهام انکاری به پندارشکنی غیرمستقیم برای تصحیح افکار ناصحیح بشری پرداخته‌اند و مصمم به اصلاح آنها هستند.

ب) شکست پندار توانایی مقابله با ارادهٔ خداوند: یکی از مفاهیم تأکیدشدهٔ کلام وحی ناتوانی انسان‌ها در مقابله و رویارویی با اراده و خواست خداوند است. در آیه «أ لَمْ یرَوْا کمْ أهْلَکنا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَکنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ ما لَمْ نُمَکنْ لَکمْ وَ أَرْسَلْنَا السَّماءَ عَلَیهِمْ مِدْراراً وَ جَعَلْنَا الْأَنْهارَ تَجْری مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَکناهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ أَنْشَأْنا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْناً آخَرین» (الانعام/٦) سخن از عذاب اقوام گذشته است که

باوجود داشتن امکانات زیاد نتوانستند در مقابل عذاب الهی مقاومت کنند و همگی نابود شدند. در اینجا پندارشکنی همراه با توبیخ است و مخاطب آن کسانی‌اند که به رسول خدا(ص) ایمان نمی‌آورند و حق را کتمان می‌کنند. کلام وحی با استفاده از اطلاعات مردم نسبت به گذشتگان، مانند قوم عاد و ثمود و امثال ایشان، قصد در تغییر اندیشه و توهم‌های ذهنی آنها و تثبیت افکار صحیح دارد؛ زیرا عموم معاندان قرآن آثار برجامانده از این اقوام را مشاهده و نشانه‌های باقی‌مانده از عذاب ایشان را دیده یا شنیده بودند و می‌دانستند خداوند بدان سبب آنان را در معرض رنج و تعب قرار داد که پیرو افکار بی‌اساس خویش بودند و حق را تکذیب کرده بودند. حقی که خدا بر پیامبران خود نازل کرده بود؛ بنابراین، این آیه تکذیب‌کنندگان حضرت محمد(ص) که آن اقتدار و بزرگی را نداشتند (مغنیه، ۱٤۲٤ق، ج۳، ص۲۵۲) انذار می‌دهد تا از نابودی نسل‌های گذشته که پادشاهی و قدرت سترگ و عظیمی داشتند، پند گیرند و دست از عناد بردارند.

با دقت در این روش پندارشکنی، چند نکته به دست می‌آید:

۱. این ساختار حاوی استفهام تقریری به همراه ملامت، خطاب به کافران و منکران یگانگی خدا و تکذیب‌کنندگان پیامبران الهی است. «أ لَم یَروا» یک آموزش عمومی غیرمستقیم است و با استفاده از سخن‌گفتن با کسانی که ظاهراً وجود خارجی ندارند و از بین رفته یا غایب‌اند، با عموم مردمی گفتگو می‌کند که از حق و حقیقت روی برتافته‌اند، بر نادانی و گمراهی خود تعصب داشته‌اند و باوجود ادله و حقایق روشن به فرستادگان الهی ایمان نمی‌آورند.

۲. از ویژگی‌های این روشِ شکننده توهمات، لحن توبیخی و تنبیهی گاهی شدید آنها و آیات قبل و بعدشان است. این پندارشکنی در بیشتر موارد بین یک سیاق مذمتی سخت قرار داشته است و نشان از شدت کلام قرآن در این قالب گسست تأملات بشری دارد.

الف) سخن از غضب و اقتدار و سلطهٔ ارادهٔ الهی در آیات «سَینَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیا» (الاعراف/۱۵۲) و (الانبیاء/۲۹) و (الرعد/٤۱) و (العنکبوت/۲۱و ٦٦) و (الروم/۳۷).

ب) اشاره به عذاب و هلاکت کافران در آیات «فَأَهْلَکنَاهُمْ بِذُنُوبِهِم» (الانعام/٦) و (السجده/۲٦) و (سباء/۹) و (الاسراء/۹۷) و (النمل /۸۷) و (یس/۳۱و۷۰) و (فصلت/۱٦) و (احقاف/۳٤) و (ملک/۱۸).

۳. استفاده از دانسته‌های عموم مردم برای توجه به عظمت و قدرت خدا از ویژگی مشترک این دسته از آیات است:

الف) اشاره به قدرت خدا با دقت در خلقت جهان و قوانین آن (النحل/٤۸، ۷۹) و (الشعراء/۷) و (الانبیاء/۳۰) و (النمل/۸٦) و (السجده/۲۷) و (سباء/۹) و (یس/۷۱، ۷۷) و (الاحقاف/۳۳) و (الملک/۱۹).

ب) روشن‌بودن قانون عمومی زوال و نابودی حیات که دربارهٔ انسان‌ها، حیوانات، طبیعت و کل جوامع بشری کوچک و بزرگ، جاری و ساری است (الرعد/٤۱) و (الاسراء/۹۹) و (العنکبوت/۱۹) و (فصلت/۱۵).

ج) آگاهی از سرنوشت گذشتگان (یس/۳۱) مانند داستان گوساله‌پرستی بنی‌اسرائیل در زمان حضرت موسی(ع) که یهود زمان نزول وحی از آن خبر داشتند (الاعراف/۱٤۸).

د) تفاوت سطح امکانات انسان‌ها (الروم/۳۷).

ه) امنیت نسبی (العنکبوت/٦٧).

٤. ادراک این قالب پندارشکن نیز بسیار روشن و واضح است و نیاز به داشتن اطلاعات خاص و پیچیده‌ای نیست. برای عموم انسان‌ها قابل درک و فهم است؛ مشروط بر اینکه هوشیار باشند، حقایق وحیانی را بپذیرند و خود را به غفلت نزنند.

### ۳-٤ ساختارهای «أرَأیتَ» و «أفَرَأیتَ»

فعل استفهامی «أرَأیتَ» (شش مرتبه) و «أفَرَأیتَ» (چهار مرتبه) برای اعجاب و برانگیختن مخاطب است تا در موضوع مدنظر به چهرهٔ باطنی و نامحسوس آن دقت کافی شود (طالقانی، ۱۳٦۲ش، ج٤، ص ۲۷۲). این کلمه یکی از ساختارهای پندارشکن، خطاب به پیامبر اسلام(ص) است که با بیانی همراه با تعجب در معنای «أخْبِرْنی» در ده آیه (عبدالباقی، ۱۳٦٤ق، ص۲۸۰) به‌صورت غیرمستقیم درصدد بطلان دسته‌ای از افکار و تصورهای باطل انسان‌ها بوده و به دنبال ایجاد حالت شگفت‌زدگی برای شنونده است و می‌فرماید: آیا تعجب نکردی، از کسی که حالش چنین وضعیتی دارد؟

الف) شکست پندار کفر: یکی از مفاهیم بنیادین و اساسی آموزش‌های وحیانی، کفرستیزی و مقابله با این اعتقاد سقیم است؛ ازاین‌رو در آیه «أفَرَأیتَ الّذِی کفَرَ بِآیاتِنَا وَقَالَ لَأُوتَینّ مَالًا وَوَلَدًا * أطّلَعَ الْغَیبَ أمِ اتّخَذَ عِنْدَ الرّحْمَنِ عَهْدًا» (مریم/۷۸، ۷۸) عبارت «أفَرَأیتَ» به معنی به من بگو و خبرده، با لحنی حیرت‌انگیز، خطاب به پیامبر اسلام(ص) اعتقاد باطلی را معرفی می‌کند و در ادامه با استفاده از استفهام انکاری به رد آن می‌پردازد.

در این آیه، استفهام تعجبی «أرأیت» با سؤال از پیامبر اکرم(ص) ذهن مخاطب را برای دریافت مشهود و نازک‌اندیشی آماده می‌کند و اندیشه‌اش را برمی‌انگیزد تا از تصور ناصواب کفار که ثروت و فرزندان زیاد خود را از برکت بت‌پرستی و اعتقاد به اِله‌بودن بت‌ها می‌دانستند و فکر می‌کردند ادامهٔ بت‌پرستی در آینده هم برای آنان دارای چنین برکاتی خواهد بود، پرده بردارد و بطلان این اندیشهٔ خطا را گوشزد کند (طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج۱٤، ص ۱۰۳).

ب) شکست پندار هواپرستی: از دیگر مباحث با اهمیت ارائه‌شده در قرآن کریم، کنترل و مقابله با خواسته‌های نامشروع هوای نفس و امیال آن است. در آیه «أفَرَأیتَ مَنِ اتّخَذَ إلَهَهُ هَوَاهُ وَأضَلّهُ اللّهُ عَلَی عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَی سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَی بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ یهْدِیهِ مِنْ بَعْدِ اللّهِ أفَلَا تَذَکرُونَ» (الجاثیه/۲۳) با استفاده از عبارت «أ فرأیت» که برای ایجاد حالت حیرت و تعجب در شنونده به کار می‌رود، به رسول اسلام(ص) می‌فرماید: آیا از کسی که حالش چنین است تعجب نکردی؟ تا به این وسیله به عموم مردم متذکر شود، آیا از کسی که از هوای نفس خود پیروی می‌کند، در حالی که باید از خداوند اطاعت کند، تعجب نمی‌کنید؟ قریشیان بت عزی را می‌پرستیدند و دیگر اعراب در مرحلهٔ اول، سنگ و طلا و نقره را پرستش می‌کردند و اگر چیزی بهتر می‌یافتند، به عبادت و پرستش آن می‌پرداختند؛ ازاین‌رو، دینشان فرمان از نفسشان می‌گرفت و غیر از منافع خود، هیچ چیزی برای آنها مهم نبود؛ بنابراین، این آیه دربارهٔ هواپرستی و خودخواهی آنها نازل شد (ثعلبی، ۱٤۲۲ق، ج۸، ص ۳٦۲) و قرآن با استفاده از تکنیک سؤال کنایه‌ای، همراه با لحن انتقادی تند، به‌صورت غیرمستقیم مترصد

تغییر در روش فکری و اعتقادی و رفتاری کجروانِ بدآیین است.

با توجه به این روش پندارشکنی، نکاتی به دست می‌آید:

۱. این ترکیب استفهامی تعجبی و پندارشکن با گفتگو و جلب توجه پیامبر اسلام(ص)، درصدد ایجاد بستری مناسب برای فهم مطلب برای عموم انسان‌ها است؛ بنابراین، «أَرَأَیتَ و أَفَرَأَیتَ» نیز مانند «أ لَم تَر» آموزش غیرمستقیم است و این دسته از آیات، با واسطه رسول اسلام(ص) افراد منحرف و گمراه را به‌صورت غیرمستقیم، متذکر و با عقاید ناصحیح ایشان برخورد می‌کند.

۲. با توجه به بیان خاص این آیات، ابتدا قرآن در موضوعی از رسول خدا(ص) سؤال می‌کند و در ادامه، خود به آن پاسخ می‌دهد و این نوع گفتگوی غیرمستقیم برای مردم عصر نزول درک‌شدنی و فهم‌پذیر بود و لحن پندارشکنی این دسته از آیات و سیاقشان، بیشتر به شکل سؤال کنایه‌ای و بعضاً تند و شکننده است؛ مانند پاسخ کنایه‌ای در آیات «أَفَرَأَیتَ الَّذِی کفَرَ بِآیاتِنَا وَقَالَ لَأُوتَینّ مَالًا وَوَلَدًا*أَطَّلَعَ الْغَیبَ أَمِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» (مریم/۷۸) و (النجم/۳۳) و کنایه همراه با تندی لحن در آیات «أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَکثَرَهُمْ یسْمَعُونَ أَوْ یعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا کالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِیلًا» (الفرقان/٤٤) و (الجاثیه/۲۳) و وعدهٔ عذاب در آیات «ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا کانُوا یوعَدُونَ» (الشعراء/۲۰٦) و (العلق/۱۵ تا ۱۸).

۳. این فرم تغییر پندار، ابتدا با سؤالی از پیامبر اسلام(ص) طرح مسئله می‌کند که از فلان موضوع خبر بده یا خبر داری؟ اندیشهٔ ناصحیح که فرد یا گروهی منتشر کرده‌اند، به‌صورت ویژه، مطرح و سپس بطلان آن نظریه و تصور را گوشزد می‌کند؛ بنابراین، این روش تکذیبِ توهم‌های ذهنی، مبتنی بر اتفاق و رویدادی است که مسلمانان معاصر نزول قرآن کریم از آن اطلاع داشته‌اند و مفاهیم مطرح‌شده به‌روشنی برای آنها درک‌شدنی بوده است؛ مانند اعتقاد عاص بن وائل به وسعت روزی در دنیا و آخرت در پناه بت‌پرستی که در شأن نزول آیه (مریم/۷۷) آمده است (فخر رازی، ۱٤۲۰ق، ج۲۱، ص٥٦۲) یا مطابق آنچه در تفسیر قمی ذیل آیه (الفرقان/٤۳) آمده، دربارهٔ قریش نازل شده است؛ زمانی که امر معیشت بر آنها سخت شد، از مکه، خارج و به اطراف پراکنده شدند. هر کس سنگی زیبا یا کلوخی در سر راه خود می‌یافت، به فال نیک می‌گرفت و بر آن سجده و قربانی می‌کرد و هر وقت خود یا احشام آنها دچار بلایی می‌شدند، با سنگ‌های مزبور، خود و چهارپایان را مسح و تبرک می‌کردند (قمی، ۱۳٦۳ش، ج۲، ص ۱۱٤) و نیز از امام صادق(ع) نقل شده است که پیامبر اکرم(ص) در خواب دیدند بنی‌امیه بعد از ایشان بر منبر او بالا می‌روند و مردم را به گمراهی سوق می‌دهند. از خواب که بیدار شدند، در حالتی محزون و غمگین، آیات (الشعراء/۲۰٥، ۲۰٦) نازل شدند (بحرانی، ۱٤۱٥ق، ج٤، ص ۱۸٤) و ذیل آیه (النجم/۳۳، ۳٤) شیخ طوسی گوید: این آیه دربارهٔ ولید بن مغیرهٔ نازل شد که مال اندکی می‌بخشید؛ برای اینکه عذاب آخرت از او برداشته شود و از آنچه می‌بایست انفاق کند، امتناع می‌کرد (طوسی، بی‌تا، ج۹، ص ٤۳٤) و در شأن نزول آیات (العلق/۹ تا ۱۳) آمده است: روزی ابوجهل به قریش گفت: آیا محمد را دیده‌اید که نماز می‌خواند و صورت به خاک می‌نهد و شما را رها می‌کند؟ گفتند: بلی، گفت: سوگند به لات و عزی اگر ببینم او نماز

می‌خواند، پای در گردنش می‌گذارم و او را هلاک می‌کنم (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج۱۰، ص ۷۸۲) و بعضی نزول آیات (الماعون/۱ تا ۳) را دربارهٔ عاص بن وائل السهمی دانسته‌اند (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج٦، ص ٥٦٧) و بعضی دیگر دربارهٔ ابوجهل و کفار قریش عنوان کرده‌اند (قمی، ١٣٦٣ش، ج۲، ص ٤٤٤).

### ۳-۵ ساختارهای «لَوْ تَری» و «لَوْ یَری»

عبارت «لَوْ تَری» هفت مرتبه و «لَوْ یَری» یکبار در آیات قرآن به کار رفته است (عبدالباقی، ١٣٦٤ق، ص ۲۸۳). در تمامی این آیات، سخن از هشداری است به مشرکان و معاندان که اگر تغییر رویه در اعتقادها و رفتار خود ندهند، خود را در معرض عذابی سخت و شدید قرار می‌دهند که نتیجهٔ اعمالشان است.

در آیه «وَلَوْ یرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا إِذْ یرَوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِیعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعَذَابِ» (البقره/١٦٥) اگر «لَوْ یَری» باشد، خطاب غیرمستقیم به مشرکان است و اگر طبق قرائت نافع و ابن‌عامر و یعقوب «لَوْ تَری» باشد، خطاب با پیامبر اسلام(ص) است و غیرمستقیم به عموم مردم در امری مهم تذکر و هشدار می‌دهد (ابن‌جوزی، ١٤٢٢ق، ج۱، ص ۱۳۰). اگر حرف «لَوْ» برای آرزو (قرشی بنابی، ۱۳۷۱ش، ج٦، ص ۲۱۳؛ آلوسی، ١٤١٥ق، ج۱، ص ٤٣٣) و حرف «اذ» برای فعل «یری» مفعول باشد، «وَ لَوْ یرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا» به معنی دانستن و درک‌کردن است و منظور، دیدن با چشم نیست (ابوعبیده، ۱۳۸۱ق، ج۱، ص ٦٣) و آیه اینگونه معنی می‌شود: ای کاش این مشرکین در همین دنیا روزی را که در آن عذاب می‌بینند، می‌دیدند (درک می‌کردند)! اگر چنین چیزی ممکن بود، می‌فهمیدند که منشأ و مبدأ همهٔ اراده‌ها و توانایی‌ها برای خداست و ای کاش در می‌یافتند عذاب خداوند چقدر شدید است؛ بنابراین، برای بت‌ها و خدایان خود توان و اراده تصور نمی‌کردند و اگر حرف «لَوْ» شرطیه باشد، یعنی اگر مشرکان و ستمگران که بر خود ستم کرده‌اند، از شدت عذاب روز قیامت آگاهی می‌یافتند و می‌دانستند در روز قیامت، هنگامی که عذاب الهی دامنگیرشان می‌شود، هیچ‌کس غیر از خداوند سلطه و توانایی ندارد، یقین پیدا می‌کردند تنها خداوند به امور آخرت می‌پردازد و آنچه خدایان خود می‌پنداشتند، هیچ توان و اراده‌ای ندارند؛ بنابراین، به گمراهی خویش پی می‌بردند و پشیمان و اندوهگین می‌شدند.

در آیه «وَ لَوْ تَری إِذْ وُقِفُوا عَلَی النَّارِ فَقَالُوا یا لَیتَنا نُرَدُّ وَ لا نُکذِّبَ بِآیاتِ رَبِّنا وَ نَکونَ مِنَ الْمُؤْمِنینَ» (الانعام/۲۷) خطاب به رسول خدا(ص) است و جواب «لَوْ» محذوف بوده و در قرآن کریم، هرگاه جواب «لو» حذف شده، به‌منظور تعظیم و مهم‌شمردن موضوع است و تقدیر آن «لرأیت امرا عظیما» است (فخر رازی، ١٤٢٠ق، ج۱۲، ص ۵۰۸)؛ یعنی اگر حال آنها را در آن هنگام که در برابر آتش ایستاده‌اند یا درحال داخل‌شدن به آن‌اند، ببینی، این برای تو بسیار عظیم و دردناک خواهد بود و به حالشان تأسف خواهی خورد. در اینجا کلام وحی با بهره‌گیری از روش شاهدگرفتن، برای تأیید موضوعی یا بیان عظمت رویدادی با استفاده از نشان‌دادن عکس‌العمل فردی ویژه و ممتاز به دنبال ایجاد زمینهٔ پذیرش در مخاطبان خود است؛ بنابراین، با خطاب قرار دادن شخص پیامبر اسلام(ص) و بیان شگفتی ایشان (به شکل محذوف) در مقابل آنچه در قیامت برای مشرکان اتفاق خواهد افتاد، به‌صورت غیرمستقیم به همهٔ مردم به‌ویژه کافران و

معاندان تذکر با لحن شدید می‌دهد و با بیان عاقبت انکار و اصرارشان بر کفر و شرک و سرانجام اعراض آنها از دستورات الهی، درصدد شکست پندار سقیم مشرکان است.

با بررسی این گروه از آیات مواردی درک‌شدنی است:

۱. در این ترکیب، خطاب قرآن کریم به پیامبر اسلام(ص) است؛ ولی درحقیقت با عموم مردم سخن گفته و «لَوْ تَری» یک آموزش غیرمستقیم است؛ مانند آنکه برای شخص خاص و مهمی در موضوعی ایجاد شگفتی و حیرت شود و در ادامه، با بیان آن حالت، بدون اشارهٔ مستقیم به افراد خاطی و گناهکار، هشدار و تذکر شدید داده شود (بدون آنکه آن فرد خاص و برگزیده، اشتباه و لغزشی داشته باشد) و درصدد متنبه‌شدن مشرکان و کافران و به‌تبع آن، اصلاح عقاید و اعمال آنها برآید. «لَوْ یَری» یک آموزش عمومی غیرمستقیم است و با استفاده از سخن‌گفتن از شدت عذاب الهی کسانی که ظاهراً وجود خارجی ندارند و از بین رفته یا غایب‌اند، با تمام انسان‌ها گفتگو می‌کند و هشدار صریح و شدید می‌دهد که اگر همان‌گونه که مجرمان رفتار کردند، عمل کنید، شما نیز به عاقبت آنها گرفتار خواهید شد؛ بنابراین، در پندارهای ناسالم و معیوب خود تغییر دهید و عقاید صحیح را جایگزین کنید.

۲. لحن پندارشکنی این آیات و سیاق متفقشان، در هر دو صورت معنایی، «لَوْ» تمنایی و شرطیه، بسیار تند و حاوی هشدار شدید است.

الف) اشاره به سختی مرگ کافران: «وَ لَوْ تَری إِذْ یَتَوَفَّی الَّذینَ کَفَرُوا الْمَلائِکَةُ یَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبارَهُمْ وَ ذُوقُوا عَذابَ الْحَریقِ» (الانفال/۵۰) و (الانعام/۹۳).

ب) عقوبت قیامت مجرمان: «إِذْ وُقِفُوا عَلی رَبِّهِمْ قالَ أَ لَیسَ هذا بِالْحَقِّ قالُوا بَلی وَ رَبِّنا قالَ فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما کُنْتُمْ تَکفُرُونَ» (الانعام/۳۰) و (السجده/۱۲) و (سبأ/۳۱) و (سبإ/۵۱).

۳. محتوای این دسته از آیات و سیاق همراه آنها شامل موارد زیر است:

برخورد با شرک و انتقاد صریح از ابراز محبت به معبودان غیر الهی و پرستش آنان (البقره/۱۶۵) و عواقب بی‌توجهی و اعتقاد به آموزش‌های وحیانی (الانعام/۲۶، ۲۷) و (سبأ/۳۱، ۵۰، ۵۱) و تکذیب‌کردن ادعای دروغین رابطه با وحی (الانعام/۹۳) و نکوهش‌کردن بی‌اعتقادی به حیات پس از مرگ و تأکید بازگشت به‌سوی پروردگار عالم و بازخورد اعمال را در قیامت تصریح می‌کند (الانعام/۲۹، ۳۰) و (السجده/۱۱، ۱۲) و (الانفال/۵۰، ۵۱).

### ۳-۶ ساختارهای «أَ وَ لا یَرَوْنَ» و «أَ فَلا یَرَوْنَ»

عبارت «أَ وَ لا یَرَوْن» که عموماً آن را با «یاء» خوانده‌اند و عده‌ای مانند حمزه و یعقوب «أ و لا تَرَوْن» به صیغهٔ مخاطب قرائت کرده‌اند (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج۲، ص ۱۰۰)، تنها یکبار و «أَ فَلا یَرَوْنَ» دو مرتبه در کلام وحی به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۲۸۴). این ترکیب شامل «واو» و «فاء» عطف واردشده بر همزه استفهام بوده و به همراه «لا» نفی، پرسشی تقریری و انکاری است که به‌منظور سرزنش و ملامت یا تنبه و تذکر استفاده شده است.

**الف) نفی شرک:** قرآن کریم در مقام مبارزه با شرک و بت‌پرستی، ضعف و عجز بت‌ها را گوشزد می‌کند و پندارها و اندیشه‌های مشرکانه و ناصحیح

انسان‌ها را به چالش می‌کشد و پندارشکنی می‌کند. در آیه «بَلْ مَتَّعْنا هؤُلاءِ وَ آباءَهُمْ حَتَّی طالَ عَلَیهِمُ الْعُمُرُ أَ فَلا یرَوْنَ أَنَّا نَأْتِی الْأَرْضَ نَنْقُصُها مِنْ أَطْرافِها أَ فَهُمُ الْغالِبُونَ» (الانبیاء/٤٤) عبارت «أَفَلایرَوْنَ» به معنی آیا نمی‌فهمند؟ آیا باور نمی‌کنند؟ و خطاب غیرمستقیم به مشرکان است. آیا اینان که به بت‌ها پناه می‌برند، نمی‌فهمند اقوام و قبائل، یکی بعد از دیگری می‌آیند و می‌روند، افراد کوچک و بزرگ هیچ‌کدام عمر جاویدان ندارند، اقوامی که از آنها نیرومندتر و سرکش‌تر بودند، همگی از دنیا رفته‌اند؟ آیا این بت‌ها که توان سود یا زیان رسانیدن را حتی برای خود ندارند، چه رسد به اینکه دیگران را یاری کنند، می‌توانند بر ارادهٔ خداوند تسلط پیدا کنند؟ (الفرقان/۳)؛ ازاین‌رو، کلام وحی با طرح استفهام انکاری در (الانبیاء/٤٤) به دنبال تغییر در پندار شرک‌آلود و الحادگونه است.

ب) نفی نفاق: کلام وحی در آیات متعددی، رفتار منافقان را نکوهش و اندیشه‌های باطل آنها را معرفی کرده و درصدد گسست پندارهای سقیم آنان است. در آیه «أَ وَ لا یرَوْنَ أَنَّهُمْ یفْتَنُونَ فی کلِّ عامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَینِ ثُمَّ لا یتُوبُونَ وَ لا هُمْ یذَّکَّرُونَ» (التوبه/١٢٦) اگر «أَولایرَوْنَ» باشد، خطابی عتاب‌گونه همراه با شماتت به منافقان است و فرمان می‌دهد: چرا منافقانِ بیمار دل، تفکر نمی‌کنند و عبرت نمی‌گیرند؛ با اینکه می‌بینند در هر سال، یک یا دو بار امتحان می‌شوند و در همه، مردود می‌شوند و نمی‌توانند از امتحان الهی سربلند بیرون آیند و ادامهٔ این کفر و نفاق، پلیدی تازه‌ای بر پلیدی‌های آنها افزون می‌کند و سرانجام دچار خسران ابدی می‌شوند. اگر طبق نظر بعضی از قرّا «أولا تَرَوْنَ» باشد، خطاب به پیامبر اسلام(ص) و عموم مؤمنین به‌منظور هشدار به ایشان و پندگرفتن از رفتار و اعمال منافقان است تا به سبب دقت و مراقبت، خود را از عوارض نفاق و تبعات آن محفوظ دارند و از مسیر حق منحرف نشوند.

بررسی این سه آیه نشان می‌دهد:

۱. در «أَولا یرَوْنَ و أَفَلا یرَوْنَ» قرآن با استفاده از تکنیک سخن با کسانی که ظاهراً وجود خارجی ندارند و از بین رفته یا غایب‌اند، به منافقان و مشرکان و همهٔ انسان‌ها آموزش غیرمستقیم می‌دهد و اینگونه درصدد متنبه‌شدن مشرکان و کافران و اصلاح عقاید و اعمال آنها بر می‌آید. اگر به‌صورت «أ و لا تَرَوْنَ» تلاوت شود، به عموم مردم هشدار صریح و شدید می‌دهد که در رفتار منافقان و بیماردلان تأمل کنند تا به عاقبت آنها گرفتار نشوند و در پندارهای ناسالم خود تغییر دهند و عقاید صحیح را جایگزین کنند.

۲. لحن و آهنگ پندارشکنی در آیات (التوبه/١٢٦) و (الانبیاء/٤٤) و (طه/۸۹) و سیاق همراه آنها انتقادی و کنایه‌ای همراه با ادبیات گفتاری شدید است.

۳. محتوای این دسته از آیات و سیاق همراه آنها شامل:

الف) تقبیح و تکذیب شرک و پرستش معبودان غیر الهی (الانبیاء/٤٤) و (طه/۸۹).

ب) تعذیب و توبیخ منافقان و مسلمانان بیمار دل (التوبه/١٢٦).

### ۳-۷ ساختار «أَ لَم تَروا»

این عبارت که دو بار در کلام وحی به کار رفته (عبدالباقی، ١٣٦٤ق، ص ۲۸۳)، یکی دیگر از انواع کلمات پندارشکن از ریشه «رأی» بوده که شامل همزهٔ استفهام و «لَم تَروا» فعل مضارع جمع مخاطب، مجزوم به حذف «نون» است. همان‌گونه که در آیه «أَلَمْ تَرَوْا

أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كتَابٍ مُنِيرٍ» (لقمان/۲۰) ملاحظه می‌شود و با توجه به سیاق آیات سوره لقمان به نظر می‌رسد محتوای این آیه به آیات ۱ تا ۱۱ مربوط بوده و قرآن کریم درصدد تقدیر از مؤمنان و هدایت گمراهان است. به نظر می‌رسد خطاب عمومی «أ لَم تَروا» که با استفهام تعجبی و تقریری همراه است (به مفهوم آیا دقت نکردید؟ آیا ندانستید؟ یا خود را به نادانی می‌زنید؟!) برای تنبه و هشیارکردن عموم مردم به کار رفته است و کلام وحی با بهره‌گیری از واقعیات هستی که برای عموم مردم فهم‌پذیر و درک‌شدنی باشد، به پندارشکنی عقاید باطل مشرکان و معاندان با بیان مستقیم و بدون واسطه پرداخته است.

همچنین، در آیه «أَلَمْ تَرَوْا كيفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا» (نوح/۱۵) و سیاق آن، سخن از مردمانی است که هم‌عصر حضرت نوح(ع) می‌زیستند و ویژگی مشترک آنها دوری‌جستن از هدایت الهی است. آنها برخلاف نشانه‌های روشن و آشکار کلام وحی، از قبول دعوت خداوند سرباز زده‌اند و به‌جای بندگی و خشوع در مقابل عظمت پروردگار، به عبادت غیر خدا پرداخته‌اند. در این آیات، حضرت نوح(ع) با عباراتی خطاب به خداوند از خصوصیات رفتاری و اعتقادی قوم خود شکایت می‌کند. در یکی از این گفتگوها، عبارت تعجبی و کنایه‌ای «أ لَم تَروا» (آیا نمی‌بینید؟) آمده است که ضمن بیانی صریح و با تأکید بر حقایقی از خلقت [آنچه فهم‌پذیر و درک‌شدنی و پذیرفته‌شدهٔ آن قوم بوده است؛ مانند اعتقاد به آسمان‌های هفت‌گانه (طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج۲۰، ص۳۲) یا وقایع واضحی همچون ماه و خورشید و رویش گیاهان] سعی در پندارشکنی توهم‌های ذهنی و تغییر رفتار آنها داشته است.

با توجه به آنچه گذشت، مواردی درک‌شدنی است:

۱. با توجه به عبارت «أ لَم تَروا» در آیه (لقمان/۲۰) و مفاهیم حول آن، این نوع پندارشکنی بدون واسطه بوده و حاوی استفهام تعجبی و تقریری و خطاب به عموم مردم است؛ بنابراین، «أ لَم تَروا» یک آموزش کاملاً مستقیم است؛ اما در آیه (نوح/۱۵)، با توجه به این نکته که کلام وحی از زبان حضرت نوح(ع) نقل قول می‌فرماید، «أ لَم تَروا» برای مخاطبان قرآن، خواه آنان که معاصر نزول بوده‌اند و خواه دیگران، پندارشکن مستقیم نبوده است؛ ازاین‌رو، تنها «أ لَم تَروا» در آیه (لقمان/۲۰) پندارشکنی مستقیم است.

۲. لحن و آهنگ پندارشکنی در آیه (لقمان/۲۰) شامل دو قسمت است؛ در قسمت نخست که خطاب به حاضران است «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» ملایم و آگاه‌کننده بوده است؛ ولی در ادامه، خطاب از مخاطب به غایب تغییر می‌کند و لحن سخن، انتقادی می‌شود «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كتَابٍ مُنِيرٍ» و در آیه بعد حتی وعدهٔ عذاب داده می‌شود « وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كانَ الشَّيطَانُ يدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ». در آیات (نوح/۱۵ تا ۲۰) نیز آهنگ پندارشکنی، ملایم است و این در حالی است که در آیه (نوح/۲۱) هنگامی که خطاب از مخاطب به غایب تغییر کرد، لحن کلام، توبیخی و مذمت‌گونه می‌شود.

۳. در این دو آیه، با دعوت به تأمل و تأنی در

قدرت خداوند به‌واسطهٔ نیک‌نگریستن در خلقت جهان و نعمت‌های ظاهری و باطنی فراوان عالم هستی و آنچه انسان‌ها از آن در حیات خود بهره‌مند می‌شوند، برای جلب توجه مخاطب در راستای تغییر پندار نادرست استفاده شده است؛ بنابراین، در این قالب وحیانی، موضوع بسیار روشن و واضح است و به دانستن و آگاهی خاص و پیچیده‌ای نیاز نیست و برای عموم مردم درک‌شدنی است.

### ۳-۸ ساختارهای «هل تَری» و «فهل تَری»

ترکیب قرآنی «هل تَری» فقط یکبار در آیه «الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَی فِی خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَی مِنْ فُطُورٍ» (الملک/۳) استفاده شده (عبدالباقی، ١٣٦٤ق، ص ۲۸۳) و حاوی استفهامی تقریری به همراه فعل محذوف «اُنظُر» و خطاب به رسول خدا (ص) است (ابن‌عادل، ١٤١٩ق، ج۱۹، ص ۲۳۰) و می‌فرماید: آیا در آسمان‌ها شکافی و اختلالی می‌یابی؟ درواقع با استفاده از تکنیک سؤال از چیزی که وجود ندارد، از باب نفی شیء برای اثبات یا رد موضوعی به همهٔ انسان‌ها غیرمستقیم آموزش می‌دهد و با دعوت به دیدن همراه با تأمل و تفکر زیاد در نظام منسجم و منظم خلقت، درصدد اثبات وجود خداوند دانا و توانا و شکست توهم کفر و شرک برای عموم مردم است.

لفظ «فهل تَری» نیز فقط در آیه «فَهَلْ تَرَی لَهُمْ مِنْ بَاقِیَةٍ» (الحاقه/۸) استفاده شده است (عبدالباقی، ١٣٦٤ق، ص ۲۸۳). «فاء» حرف عطف و «هل» استفهامی تقریری است که تنها در جملات مثبت به کار می‌روند (شرتونی، ۱۳۸۷ش، ج٤، ص ٣٦٩) و خطاب سخن با واسطهٔ پیامبر اسلام(ص) به همهٔ مردم است. این جمله سؤالی مثبت همراه با کنایه است و می‌فرماید: آیا کسی از اقوام ثمود و عاد را زنده می‌بینی؟ یعنی حتی یک نفر را هم نمی‌توانی زنده بیابی؛ زیرا عذاب الهی تمامی آنان را به دلیل تکذیب قیامت فرا گرفت (الحاقه/٤). اعراب دوران نزول قرآن از علت عذاب قوم عاد و ثمود اطلاع داشتند و می‌دانستند سبب نابودی آنها تکذیب حقایقی بود که پیامبران آنان از جانب خدا آورده بودند (مغنیه، ١٤٢٤ق، ج۳، ص ۲۵۲)؛ ازاین‌رو، کلام وحی با واسطه قرار دادن و سؤال از شخص پیامبر اسلام(ص) قصد متنبه و متوجه‌کردن کافران و منکران قیامت و سعی در تغییر دیدگاه و نگرش منکران رستاخیز داشتند.

بررسی این دو آیه نشان می‌دهد:

۱. «هل تَری» و «فهل تَری» حاوی استفهام تقریری و خطاب در ظاهر به پیامبر اسلام(ص) هستند؛ ولی درحقیقت روی سخن با عموم مردم بوده و یک آموزش غیرمستقیم است؛ مانند آنکه مطلبی از شخصی که آگاهی کامل دارد، با تأکیدی خاص سؤال شود؛ برای اینکه شخص ثالث که موضوع کاملاً برایش روشن و بدیهی است، متوجه اهمیت آن شود، در آن دقت کند و ملتفت و متنبه شود.

۲. لحن و آهنگ پندارشکنی در آیه (الملک/۳) و آیات همراه آن «وَلِلَّذِینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِیرُ» (الملک/٦) و آیات هم‌سیاق آیه (الحاقه/۸) مقتدرانه و شدید است.

۳. محتوای این دسته از آیات و سیاق همراه آنها شامل:

الف) تصریح بر قدرت خداوند در آفرینشی بدون عیب و نقص (الملک/۳).

ب) تأکید بر حقیقت رستاخیز و عظمت قیامت و

بازخورد اعمال انسان‌ها در آن جایگاه (الملک/٦ تا ٨) و (الحاقه/١ تا ٣).

پندارشکن «رأی» ارائه شده‌اند؛ سپس با استفاده از اطلاعات نموداری برحسب درصد، نتایج آن تحلیل شده‌اند.

### ۳-۹ تحلیل نتایج آماری

در جدول زیر نتایج آماری آیات حاوی خانواده واژۀ

| ردیف | عنوان لفظ پندارشکن | تعداد آیه | پندارشکنی استفهامی | پندارشکنی خبری | پندارشکنی امری و نهیی | پندارشکنی شرطی | روش آموزش غیرمستقیم (با واسطه پیامبراسلام (ص)) | روش آموزش غیرمستقیم (با واسطه دیگران) | روش آموزش مستقیم | گفتار مقتدرانه وکنایه‌ای و شدید | گفتار مقتدرانه و ملایم |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ١ | «أ لَم تَر» | ٣١ | ٣١ | ٠ | ٠ | ٠ | ٣١ | ٠ | ٠ | ٢٠ | ١١ |
| ٢ | «أرَأَيتم» | ١٤ | ١٤ | ٠ | ٠ | ٠ | ١١ | ٣ | ٠ | ١٤ | ٠ |
| ٣ | «أ و لَم يَروا» | ١٢ | ١٢ | ٠ | ٠ | ٠ | ٠ | ١٢ | ٠ | ١٢ | ٠ |
| ٤ | «لَوْ تَرى» | ٧ | ٠ | ٠ | ٠ | ٧ | ٧ | ٠ | ٠ | ٧ | ٠ |
| ٥ | «أ فَرَأَيتُمْ» | ٧ | ٧ | ٠ | ٠ | ٠ | ٦ | ٠ | ١ | ٧ | ٠ |
| ٦ | «أ رَأَيتَ» | ٦ | ٦ | ٠ | ٠ | ٠ | ٦ | ٠ | ٠ | ٦ | ٠ |
| ٧ | «أ لَم يَروا» | ٥ | ٥ | ٠ | ٠ | ٠ | ٠ | ٥ | ٠ | ٥ | ٠ |
| ٨ | «أفَرَأَيتَ» | ٤ | ٤ | ٠ | ٠ | ٠ | ٤ | ٠ | ٠ | ٤ | ٠ |
| ٩ | «أ لَم تَروا» | ٢ | ٢ | ٠ | ٠ | ٠ | ٠ | ١ | ١ | ٠ | ٢ |
| ١٠ | «أ فَلا يرَوْنَ» | ٢ | ٢ | ٠ | ٠ | ٠ | ٠ | ٢ | ٠ | ٢ | ٠ |
| ١١ | «أ لَم يَر» | ٢ | ٢ | ٠ | ٠ | ٠ | ٠ | ٢ | ٠ | ٢ | ٠ |
| ١٢ | «أرَأَيتَكمْ» | ٢ | ٢ | ٠ | ٠ | ٠ | ٢ | ٠ | ٠ | ٢ | ٠ |
| ١٣ | «هل تَرى» | ١ | ١ | ٠ | ٠ | ٠ | ١ | ٠ | ٠ | ١ | ٠ |
| ١٤ | «فهل تَرى» | ١ | ١ | ٠ | ٠ | ٠ | ١ | ٠ | ٠ | ١ | ٠ |
| ١٥ | «أ وَ لا يرَوْنَ» | ١ | ١ | ٠ | ٠ | ٠ | ٠ | ١ | ٠ | ١ | ٠ |
| ١٦ | «لَوْ يَرى» | ١ | ٠ | ٠ | ٠ | ١ | ٠ | ١ | ٠ | ١ | ٠ |
| ١٧ | «أ فلَم يَروا» | ١ | ١ | ٠ | ٠ | ٠ | ٠ | ١ | ٠ | ١ | ٠ |
| ١٨ | جمع | ٩٩ | ٩١ | ٠ | ٠ | ٨ | ٦٩ | ٢٨ | ٢ | ٨٦ | ١٣ |

در این جدول، نسبت مشارکت واژه‌های پندارشکن از ریشه «رَأیَ» به تفکیک درصد مشاهده می‌شود. بیشترین تکرار مربوط به عبارت «أ لَم تَر» ۳۱٪ و کمترین تکرار مربوط به عبارت‌های «هل تَرى» و «فهل تَرى» و «أ وَ لا يرَوْنَ» و «لَوْ يَرى» و «أ فلَم يَروا» با ۱٪ مشارکت است که این نشان می‌دهد باوجود گستردگی خانواده پندارشکن «رَأیَ» توزیع یکنواختی دیده نمی‌شود.

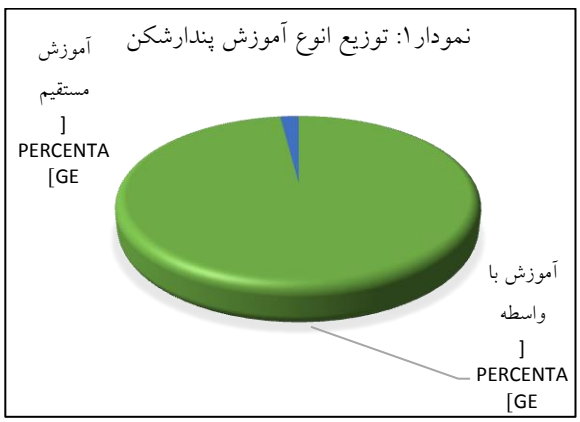

نمودار۲: توزیع انواع آموزش غیر مستقیم

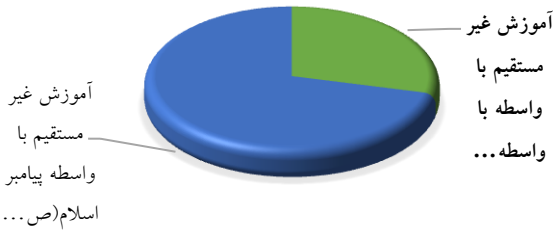


نمودار ۱ نشان می‌دهد در اکثریت قاطع آیات حاوی خانوادهٔ پندارشکن، واژه «رَأی» آموزش تصحیح افکار به‌صورت غیرمستقیم بوده و قرآن کریم برای برخورد با افکار و باورهای غلطی که در این گروه از آیات نسبت به آن انتقاد کرده، به‌ندرت از گفتگوی مستقیم استفاده کرده است. همچنین، در نمودار ۲ مشاهده می‌شود بیشتر آیات، مفاهیم پندارشکنی خود را با واسطهٔ بیانی پیامبر اسلام(ص) انتقال داده‌اند.

نمودار۳: توزیع انواع آهنگ کلام آیات

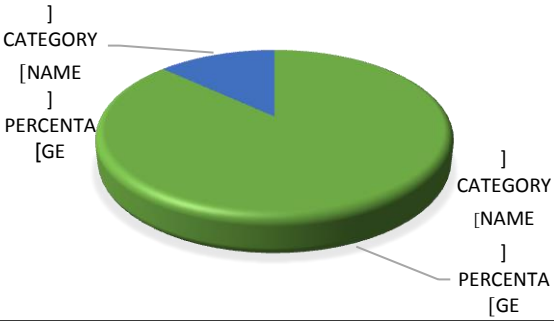


در نمودار ۳، نوع لحن و گویش و آهنگ کلام به‌کاررفته، در این گروه از آیات و آیات هم‌سیاق آنها ارائه شده است که نشان می‌دهد پندارشکنی در بیشتر موارد دارای گویش انتقادی و توبیخی شدید است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد مخاطب گمراه و معاند این آیات که عموماً مشرکان و کافران‌اند، در پندار و باورهای سقیم خود و پیروی جاهلانه از عادات گذشتگان خود پافشاری کرده‌اند و قرآن کریم با لحن تهدیدی و شدید درصدد تأثیرگذاری بیشتر و ایجاد تنبه در اذهان آنها است. نمودار ٤ توزیع انواع جملات را در این آیات نشان می‌دهد. تقریباً در تمام موارد، از جملات استفهامی برای بیان مطلب استفاده شده است. در یک جمع‌بندی کلی به نظر می‌رسد رویکرد بیشتر این آیات، گسست توهمات با استفاده از پرسش‌های کنایی – انتقادی است.

نمودار٤: انواع جملات پندارشکن

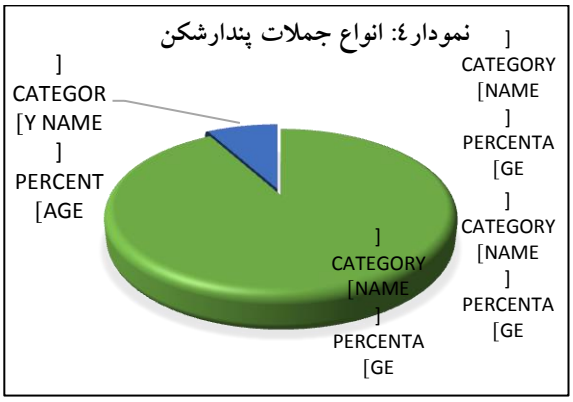


## نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت نتایج ذیل به دست می‌آیند:

۱. کلام وحی در اکثریت قاطع این آیات (نمودار ۱ و ۲) با استفاده از ساختارهای استفهامی و تعجبی «أ لَـمْ‌تَـرَ» و «أ لَـمْ يَـرَ» و «أرَأَيْـتَ» و «قُـلْ أرَأَيْـتُم» و «أوَلَا يَرَوْنَ» و «أ لَمْ‌تَرَوا» در آیه (نوح/۱۵) و «هل تَـرَى» و شرطی – تمنایی «لَـوْ تَـرَى» به‌صورت گفتگوی غیرمستقیم و با واسطهٔ بیانی پیامبر اسلام(ص) با فراوانی ۷۱٪ و با واسطهٔ دیگران با ۲۹٪ با بشریت ارتباط برقرار کرده و با استفاده از آموزش و تذکر با واسطه، درصدد ایجاد بستری مناسب برای فهم مسئله برای عموم انسان‌ها است و تنها در آیات (لقمان/۲۰) و (النجم/۱۹) پندارشکنی بدون واسطه بوده و حاوی

استفهام تعجبی و تقریری و خطاب به عموم انسان‌ها است.

۲. لحن پندارشکنی این آیات و سیاق متفقشان در بافتار «أ لَم‌تَروا» در تمام موارد و در «أ لَم‌تَر» در بعضی از موارد ملایم و حمایت‌کننده بوده و در تعدادی دیگری از این آیات آهنگ و مفهوم کلام شدید است. پندارشکنی ساختارهای «أ لَم یَر» و «أرَأَیتم» و «أرَأَیت» و «لَوْتَری» و «لَوْیَری» و «أوَلایرَوْن» و «هل تَری» در بیشتر موارد بین یک سیاق نکوهش‌گونه و مذمتی و گاهی همراه با کنایه قرار داشته است و نشان از شدت کلام و سنگینی لحن قرآن در این قالب‌های گسستن تأملات بشری دارد؛ بنابراین، در نگاه کلی، نوع لحن و آهنگ کلام به‌کاررفته در این گروه از آیات در بیشتر موارد (با کثرت ۸۷٪) دارای گویش انتقادی و توبیخی شدید است (نمودار ۳).

۳. دسته‌بندی محتوای این گروه آیات پندارشکن شامل موارد زیر می‌شود:

الف) از ویژگی مشترک آیات حاوی فرم‌های ادبی «أَلَم‌تَر»، «أ لَم‌یَر»، «أ لَم‌تَروا» و «أوَلایرَوْن» تأکید بر تأمل در قدرت خداوند به‌واسطهٔ نیک‌نگریستن در خلقت جهان، وقایع و داستان‌های تاریخی و رخدادهای زمان نزول وحی است و به نظر می‌رسد کلام وحی در این آیات برای جلب توجه عموم انسان‌ها (با استفاده از دانسته‌های آنها) از روش سؤال منفی از موضوعی برای اثبات وجود آن و در «هل تَری» با استفاده از تکنیک سؤال مثبت از چیزی که وجود ندارد، برای رد توهمات یا اثبات حقایقی که برای همگان فهم‌پذیر و درک‌شدنی است، ولی به‌خوبی متوجه آن نیستند، استفاده کرده است.

ب) قرآن کریم در آیات حاوی «أرَأَیت» و «أرَأَیتم» با استفاده از تکنیک سؤال جواب واضح، با بیانی همراه با شگفتی، اعتقاد ناصحیح منتشرشدهٔ فرد یا طایفه‌ای را مطرح می‌کنند و با سؤال مستقیم از پیامبر اسلام(ص) در فرم «أرَأَیت» یا با واسطهٔ بیانی ایشان در فرم «قُلْ أرَأَیتم»، طرح مسئله و سپس بطلان آن پندار را گوشزد می‌کند و سعی در تغییر قالب فکری مخاطب دارد؛ بنابراین، در این دو شکل پندارشکن، برای فهم بهتر و بیشتر موضوع، به تفکر و اندیشهٔ دقیق‌تر نیاز است.

ج) در قالب شرطی – تمنایی «لَوْتَری» کلام وحی با بهره‌گیری از روش شاهدگرفتن رسول خدا(ص) و بیان عکس‌العمل ایشان برای تأیید موضوعی عظیم که درک آن رویداد تصورناپذیر است، به دنبال ایجاد زمینهٔ پذیرش در نهاد مخاطبان است. در اینجا سخن از نوعی دیدن و فهمیدن است که در دنیا کسی غیر از پیامبر اسلام(ص) نمی‌تواند کاملاً آن را درک کند؛ بنابراین، این ترکیب با بیان عظمت و اتفاقات ناملموس رویداد مرگ و قیامت که فراتر از سطح ادراک بشر مادی‌گراست، به همهٔ مردم به‌ویژه کافران و معاندان عتاب می‌کند و قاطعانه پندارشکنی انجام می‌دهد.

د) با توجه به جدول نتایج آماری و مشارکت اکثریت قاطع ساختارهای «أ لَم‌تَر» و «أ لَم‌یَر» و «أرَأَیت» و «أرَأَیتم» و «أ لَم‌تَروا» و «أوَلایرَوْن» و «هل‌تَری» در مفاهیم پندارشکن آیات قرآن کریم و استفادهٔ حداکثری از تکنیک پرسش سؤالات چالشی با فراوانی ۹۲٪ (نمودار ٤) که جواب آنها برای هر انسانی واضح است، نشان می‌دهد رویکرد اصلی این گروه از آیات، پندارشکنی با استفاده از مطالبی است که برای مخاطب کلام وحی، بسیار روشن و واضح و لمس‌شدنی است و به آگاهی خاص و پیچیده‌ای نیاز

نیست.

**کتابنامه**


۱- ابن‌جوزی، ابی الفرج عبدالرحمن بن علی. (۱٤۲۲ق). *زاد المسیر فی علم التفسیر*. تدوین توسط عبد الرزاق مهدی. ٤ جلد. لبنان - بیروت: دار الکتاب العربی.

۲- ابن‌خالویه، حسین‌بن‌احمد. (۱٤۱۳ق). *اعراب القراءات السبع و عللها*. ۲ جلد. مصر -قاهره: مکتبة الخانجی.

۳- ابن‌عادل، عمربن‌علی. (۱٤۱۹ق). *اللباب فی علوم الکتاب*. تدوین توسط عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض. ۲۰ جلد. لبنان - بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

٤- ابن‌عطیه، عبدالحق‌بن‌غالب.(۱٤۲۲ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*. تدوین توسط عبدالسلام عبدالشافی محمد. ٦ جلد. لبنان - بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

۵- ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر. (۱٤۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم (ابن‌کثیر)*. تدوین توسط محمدحسین شمس‌الدین .۹ جلد. لبنان - بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.

٦- ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱٤۱٤ق). *لسان‌العرب*. تدوین توسط جمال‌الدین میردامادی. ۱۵ جلد. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

۷- ابوالسعود، محمد بن محمد. (۱۹۸۳م). *تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم)*. ۹ جلد. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۸- ابوزهره، محمد. (بی‌تا). *زهرة التفاسیر*. ۱۰جلد. لبنان - بیروت: دار الفکر.

۹- ابوعبیده، معمر بن مثنی. (۱۳۸۱ق). *مجاز القرآن*. تدوین فواد سزگین. ۲ جلد. مصر - قاهره: مکتبة الخانجی.

۱۰- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱٤۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. تدوین توسط سناء بزیع شمس الدین، ابراهیم شمس الدین و علی عبدالباری عطیه. ۱٦ جلد. دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون: بیروت.

۱۱- بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱٤۱۵ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تدوین توسط بنیاد بعثت واحد تحقیقات اسلامی. جلد ۵. ایران -قم: مؤسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامیة.

۱۲- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱٤۲۲ق). *الکشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی*. تدوین توسط ابی محمد ابن عاشور و نظیر ساعدی. ۱۰جلد. لبنان - بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۱۳- حاجی‌قاسمی، فرزانه و نصراله شاملی. (۱۳۹۵ش). «*قالب‌های معنایی فعل «رأی» در آیات قرآن کریم و برگردان فارسی بر پایه نظریة معناشناسی قالبی چارلز فیلمور*». *دوفصلنامة مطالعات ترجمة قرآن و حدیث*، شماره ٦، ۵۷-۸۳.

۱٤- درویش، محی‌الدین. (۱٤۱۵ق). *اعراب القرآن الکریم و بیانه*. ۱۰ جلد. سوریه - حمص: الارشاد.

۱۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱٤۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالعلم الدارالشامیه.

۱٦- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱٤۱٦ق). *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*. تدوین توسط عمر عمروی. جلد ۳. لبنان - بیروت: دار الفکر.

۱۷- شرتونی، رشید. (۱۳۸۷ش). *مبادی العربیة*. ٤جلد. قم: انتشارات دارالعلم.

۱۸- شریفی اصفهانی، مهین. (۱۳۸۱ش). «*جستاری در خطاب های عتاب‌آمیز خداوند به پیامبر(ص)*». *مقالات و بررسی‌ها*، شماره ۷۲، ۹۹-۱۱۵.

۱۹- شنقیطی، محمدامین.(۱٤۲۷ق). *أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن*. ۱۰ جلد. لبنان - بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

۲۰- طالقانی، محمود. (۱۳٦۲ش). *پرتوی از قرآن*. ٦ جلد.

ایران – تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۱- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱٤۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ۲۰ جلد. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعۀ مدرسین حوزۀ علمیه قم.

۲۲- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)*. ٦ جلد. اردن – اربد: دار الکتاب الثقافی.

۲۳- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تدوین توسط فضل‌الله یزدی طباطبایی. ۱۰ جلد. تهران: ناصر خسرو.

۲٤- طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. تدوین توسط احمد حبیب عاملی. ۱۰ جلد. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۲۵- عبدالباقی، محمد فوأد. (۱۳٦٤ق). *المعجم المفهرس*. قاهره: دارالکتب المصریه.

۲٦- فخررازی، محمد بن عمر. (۱٤۲۰ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. ۳۲ جلد. لبنان – بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۲۷- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱٤۰۹ق). *کتاب العین*. ۹ جلد. قم: نشر هجرت.

۲۸- قرشی‌بنابی، علی‌اکبر. (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن*. ۷ جلد. ایران – تهران: دار الکتب الإسلامیۀ.

۲۹- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳٦۳ش). *تفسیر القمی*. تدوین توسط طیب موسوی جزایری. ۲ جلد. ایران – قم: دارالکتاب.

۳۰- کلباسی‌اصفهانی، فهیمه. (۱۳۹۱ش). *سیر برخورد قرآن با یهود*. ایران – قم: شهیدین زین‌الدین.

۳۱- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱٤۰۷ق). *الکافی (ط – الإسلامیۀ)*. تدوین توسط علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. ۸ جلد. تهران: دار الکتب الإسلامیۀ.

مغنیه، محمدجواد. (۱٤۲٤ق). *التفسیر الکاشف*. ۷ جلد. قم: دار الکتاب الإسلامی.

## Bibliography

The Holy Qur'an

Abdul Baqi, Mohammad Fawad 1364 AH. *Al-Moajam Al-Mofahras*. Cairo: Dar al-Kitab al-Masriya.

Abu al-Saud, Muhammad ibn Muhammad. 1983 AD. *Tafsir Abi Al-Saud*. 9 vols. Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi.

Abu Ubaydah, Mu'ammar ibn Muthanna. 1381 AH. *Majaz Al- Qur'an*. Edited by Fouad Sezgin. 2 vols. Egypt-Cairo: Al-Khanji Library.

Abu Zohra, Muhammad . No date. *Zahrt Al-Tafasir*. 10 vols. Lebanon - Beirut: Dar al-Fikr.

Alusi, Mahmoud bin Abdullah 1415 AH. *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-'Azeem and al-Saba al-Muthani*. Edited by Sanaa Bazi Shamsuddin, Ibrahim Shamsuddin and Ali Abdul Bari Atieh. 16 vols. Dar al-Kitab al-Alamiya, Muhammad Ali Beizun Publications: Beirut.

Bahrani, Hashem bin Suleiman. 1415 AH. *Al-Borhan fi Tafsire Al- Qur'an*. Compiled by the Besat Foundation, Islamic Research Unit. Volume 5. Iran-Qom: Al-Ba'ath Institute, Department of Islamic Studies.

Darwish, Mohi al-Din. 1415 AH. Earab Al-Qur'an Al-Karim va Bayanah. 10 vols. Syria-Homs: Al-Ershad.

Fakhr Razi, Muhammad ibn Umar. 1420 AH. *Al-Tfsire Al-Kabir*. 32 vols. Lebanon - Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi.

Farahidi, Khalil bin Ahmad 1409 AH. *Ketab Al-Ain*. 9 vols. Qom: Hijrat Publishing.

Haji Ghasemi, Farzaneh and Nasrallah Shamli. 1395 Sun. *Semantic forms of the verb "RAAYA" in the verses of the Holy Qur'an and Persian translation (based on Charles Fillmore's theory of stereotypes)*. Quarterly Journal of Qur'anic and Hadith Translation Studies 6: 57-83.

Qomi, Ali Ibn Ibrahim. 1363 Sun. *Tafsir al-Qomi*. Edited by Tayeb Mousavi Jazayeri. 2 vols. Iran - Qom: Dar al-Kitab.

Ragheb Isfahani, Hussein bin Mohammad. 1412AH. *Al-Mofradat fi Qaribe Al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Alam Al-Dar Al-Shamiya.

Samarkandi, Nasr bin Muhammad. 1416 AH. *Tafsir al-Samarkandi Al-Mosama Bhro Al-Olom*. Edited by Omar Amravi. Volume 3. Lebanon - Beirut: Dar al-Fikr.

Shanqiti, Mohammad Amin 1427 AH. *Azvae Al-Bayan fi ezahe Al-Qur'an be Al-Qur'an*. 10 vols. Lebanon-Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, published by Muhammad Ali Bayzun.

Shertoni, Rashid. 1387 Sun. *Mabadi Al-Arabia*. 4 vols. Qom: Dar Al-Alam Publications.

Tabarani, Suleiman bin Ahmad. 2008 AD. *Tafsir Al-Kabir: Tafsir Al-Qur'an Al-Azim (Al-Tabrani)*. 6 vols. Jordan - Arbod: Dar al-Kitab al-Thaqafi.

Tabarsi, Fazl Ibn Hassan 1372 Sun. *Majmao Al-Bayan fi tafsire Al-Qur'an*. Edited by Fazlullah Yazdi Tabatabai. 10 vols. Tehran: Nasser Khosrow.

Tabatabai, Seyed Mohammad Hussein 1417 AH. *Al-Mizan fi Tfsire Al-Qur'an*. 20 vols. Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association.

Taleghani, Mahmoud 1362 Sun. *Partovi az Qur'an*. 6 vols. Iran - Tehran: Anteshar Joint Stock Company.

Thalabi, Ahmad bin Muhammad 1422 AH. *Al-Kashf va Al-Bayane Al-Marouf Tafsir al-Thalabi*. Edited by Abi Muhammad Ibn Ashour and Nazir Saedi. 10 vols. Lebanon - Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi.

Tusi, Muhammad ibn Hassan No date. *Al-tebyan fi Tafsire Al-Qur'an*. Edited by Ahmad Habib Ameli. 10 vols. Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi.

Ibn Adil, Umar ibn Ali. 1419AH. *Al-Labab fi Olome Al-Ketab*. Edited by Adel Ahmad Abdulmojud and Ali Mohammad Moawad. 20 vols. Lebanon - Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, published by Muhammad Ali Bayzun.

Ibn Atiyah, Abdul Haq Ibn Ghalib 1422 AH. *Al-Muharram Al-Wajiz fi Tafsire Al-Ketab Al-Aziz*. Edited by Abdul Salam Abdul Shafi Mohammad. 6 vols. Lebanon - Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, published by Muhammad Ali Bayzun.

Ibn Jawzi, Abi Al-Faraj Abdul Rahman Ibn Ali. 1422 AH. *Zad Al-Masir fi Elme Al-Tafsir*. Edited by Abdul Razzaq Mahdi. 4 vols. Lebanon-Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.

Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar. 1419 AH. Tafsire Al-*Qur'an Al-Azim (Ibn Kathir)*. Edited by Mohammad Hussein Shamsuddin. 9 vols. Lebanon - Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, published by Muhammad Ali Bayzun

Ibn Khalawiyyah, Husayn ibn Ahmad 1413 AH. *Erab Al-Qeraate Al-Saba va Elaleha*. 2 vols. Egypt-Cairo: Al-Khanji Library.

Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram. 1414 AH. *Lesan Al-Arab*. Edited by Jamaluddin Mirdamadi. 15 vols. Beirut: Dar al-Fikr for printing, publishing and distribution.

Kalbasi Esfahani, Fahimeh. 1391 Sun. *The course of the Qur'an's treatment of the Jews*. Iran - Qom: Shahidin Al-Zainuddin.

Klini, Muhammad ibn Ya`qub 1407 AH. *Al-kafi (I- Islamic)*. Edited by Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhoondi. 8 Volumes. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.

Mughniyeh, Mohammad Javad 1424 AH. Al-Tafsire Al-Kashef. 7 Volumes. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.

Qarshi Bonabi, Ali Akbar. 1371 Sun. *Qamose Qur'an*. 7 vols. Iran - Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.